

آثار حقوقی تغییر قانون در زمینه ی داوری در معاهدات بین المللی و داوری در معاهدات نفت و گاز مربوط به ایران

پوریا دارابی^۱، یونس خداپرست^۲، محمد باقر فیجان^۳

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی، ایران

^۲ استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی، ایران

^۳ استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی، ایران

چکیده

هدف این پژوهش تحلیل آثار حقوقی تغییر قوانین داوری در معاهدات بین المللی و قراردادهای نفت و گاز مربوط به ایران، بررسی چالش های حقوقی ناشی از تعارض میان قوانین داخلی و مقررات بین المللی و ارزیابی تأثیر اصلاحات قانونی بر روند داوری و اجرای آرای داوری است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و با استناد به قوانین داخلی ایران، کنوانسیون های بین المللی، مطالعات موردی و بررسی آرای داوری، به تحلیل تطبیقی مقررات داخلی و بین المللی و ساختار قانونی معاهدات نفتی پیش و پس از تغییر قوانین پرداخته است. یافته ها نشان می دهد تصویب قانون داوری تجاری بین المللی مطابق با مدل UNCITRAL موجب همسویی بیشتر ایران با چارچوب های حقوقی بین المللی شده است اما محدودیت ها و تشریفات قانون داخلی، به ویژه اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۲۳ قانون نفت، اجرای آرای داوری خارجی را مشروط و گاه مانع می شود؛ از سوی دیگر، کنوانسیون های بین المللی مانند نیویورک نقش مهمی در گسترش قابلیت اجرا ایفا می کنند اما رعایت مقررات داخلی ایران همچنان ضروری است. نتایج نشان می دهد همسویی قوانین داخلی با اصول داوری بین المللی موجب ارتقاء اعتبار و قابلیت اجرای آرای داوری می شود؛ در مقابل، وجود تشریفات قانونی و ملاحظات فرهنگی-حقوقی محلی چالش هایی را در اجرای آرای خارجی ایجاد می کند؛ اصلاح و تطبیق قوانین داخلی با مدل های موفق بین المللی راه را برای جذب سرمایه گذاری و حل اختلافات پیچیده هموارتر می سازد؛ با این حال، تعارض میان قوانین داخلی و معاهدات بین المللی همچنان موضوعی است که به راهکارهای اجرایی و تفسیری دقیق نیاز دارد.

واژگان کلیدی: داوری بین المللی، قراردادهای نفت و گاز، قانون داوری تجاری بین المللی ایران، اصل ۱۳۹ قانون اساسی، اجرای رأی داوری، شرط داوری، تعارض قوانین، نهاد داوری

۱-مقدمه

داوری به عنوان یکی از روش های حل و فصل اختلافات بین المللی، به ویژه در قراردادهای نفت و گاز که دارای شرایط و پیچیدگی های خاص هستند، جایگاه ویژه ای دارد. قراردادهای نفت و گاز از مهمترین قراردادهای بین المللی به شمار می روند که به دلیل ماهیت اقتصادی و استراتژیک، اختلاف در آنها معمول و پیچیده است. در چنین قراردادهایی، استفاده از نهاد داوری با هدف حل سریع و مؤثر اختلافات اهمیت فراوانی دارد. با تغییر قوانین مرتبط با داوری، تأثیرات عمیقی بر ماهیت و روند حل اختلافات به وجود می آید که مستلزم بررسی دقیق حقوقی و کاربردی است. (ایران پور، ۱۳۸۷) با وجود اهمیتی که نهاد داوری در حل اختلافات قراردادهای نفت و گاز داراست، تغییر در قوانین داخلی و بین المللی می تواند چالش ها و مشکلاتی ایجاد کند. پیچیدگی های حقوقی ناشی از تضاد قوانین ملی و بین المللی و همچنین شرایط مندرج در معاهدات نفت و گاز، اجرای صحیح و مؤثر داوری را تحت تأثیر قرار می دهد. مسئله اصلی این است که تغییرات قانونی چگونه بر مشروعیت و اجرای داوری در معاهدات نفت و گاز ایران تأثیر می گذارد و تا چه حد این تغییرات می توانند موجب ایجاد یا حل مشکلات حقوقی در این زمینه شوند. (اخوان، طاهری فرد، ۱۳۸۷)

طیف گسترده ای از قراردادهای نفت و گاز ایران با شرکتها و دولت های خارجی بر اساس قوانین مختلف داخلی و بین المللی تنظیم می شود. در این چارچوب، شناخت دقیق آثار حقوقی تغییر قوانین داوری برای حفظ حقوق و منافع طرفین، به ویژه طرف ایرانی، ضروری است. این پژوهش با هدف تحلیل جامع حقوقی آثار تغییرات قانونی بر نهاد داوری و ارائه راهکارهای حقوقی مناسب در راستای تضمین امنیت حقوقی، تسهیل سرمایه گذاری های خارجی و ارتقای کارایی حل اختلافات انجام می شود. زیرا عدم توجه به این تغییرات ممکن است سبب بروز اختلافات طولانی و پرهزینه شود که می تواند امنیت حقوقی و اقتصادی قراردادهای نفتی را به مخاطره اندازد. (امیر معینی، ۱۳۸۴)

در زمینه ی تعارض قوانین داخلی و بین المللی در داوری باید گفت داوری در معاهدات نفت و گاز معمولاً تابع قوانین ملی کشور میزبان (در اینجا ایران) و قواعد و معاهدات بین المللی مرتبط است. تغییرات در قوانین داخلی ایران یا تغییرات در قواعد بین المللی، ممکن است منجر به تعارض و چالش هایی در انتخاب قانون حاکم، صلاحیت داوری یا نحوه اجرای تصمیمات داوری شود. این تعارضها از طریق یک چارچوب قانونی مبهم، باعث درگیری حقوقی و ناطمینانی در اجرای قراردادها می شوند. (اخلاقی، ۱۳۸۷)

و از طرفی در زمینه ی تأثیر تغییرات قانونی بر مشروعیت و اعتبار آرای داوری باید اذعان کرد هرگونه اصلاح یا تغییر در قوانین داوری می تواند بر اعتبار و مشروعیت آرای داوری تأثیرگذار باشد. برای مثال، تغییر در مقررات مربوط به اجرای آرای داوری خارجی یا شرایط داوران، ممکن است موجب تشدید اختلافات یا حتی لغو آرا شود. این وضعیت به ویژه در قراردادهای نفت و گاز که سرمایه گذاری ها و مبالغ بسیار بزرگی در آنها دخیل است، اهمیت ویژه ای دارد. (ابراهیم زاده، ۱۳۸۵)

همچنین پیچیدگی های حقوقی و اقتصادی قراردادهای نفت و گاز به این شکل است که قراردادهای نفت و گاز به دلیل ماهیت فنی، مالی و سیاسی خود، از حساسیت های حقوقی و اقتصادی بالایی برخوردارند. تغییر قوانین داوری ممکن است باعث پیچیدگی بیشتر در حل اختلافات شود و به تبع آن هزینه ها و زمان رسیدگی افزایش یابد که این موضوع می تواند امنیت سرمایه گذاری و روابط بین المللی را تهدید کند. (ابراهیمی، ۱۳۸۷)

فناوری ها و تحولات جدید در صنعت نفت و گاز نقش مهمی در ساختار و عملکرد جهانی نسبت به آن دارد و با پیشرفت فناوری ها و تغییرات ساختاری در بازار نفت و گاز، شیوه های حل اختلاف نیز باید به روز شوند. تغییر قوانین داوری الزاماً باید همگام با این تحولات باشد تا بتواند نیازهای جدید صنعت را پاسخگو باشد و از بروز تعارضات حقوقی پیشگیری کند. از طرف

دیگر معاهدات نفت و گاز ایران معمولاً تحت تأثیر تحریمها و شرایط فورس مازور قرار می گیرند. قوانین داوری باید بتوانند پاسخگوی این شرایط خاص باشند. تغییرات حقوقی ممکن است نحوه رسیدگی به این موارد را دستخوش تغییر کند و اثرات قابل توجهی بر اجرای قراردادهای داشته باشد. (موحد، ۱۳۸۴)

در زمینه ضرورت پژوهش باید گفت به دلیل پیچیدگی های فوق، مسأله اساسی پژوهش آن است که بررسی شود تغییر قوانین داوری چگونه بر اجرای صحیح و مؤثر داوری در معاهدات نفت و گاز ایران مؤثر است، و چه راهکارهای حقوقی لازم است تا هم منافع ملی ایران حفظ شود و هم بتوان به تبعیت از قواعد بین المللی، داوری را به گونه ای مدیریت کرد که موجب اطمینان خاطر سرمایه گذاران خارجی شود. این مسأله پژوهشی نقطه اشتراک میان حقوق بین الملل خصوصی، حقوق نفت و گاز و حقوق داوری است و اهمیت روزافزونی در محیط حقوقی و اقتصادی ایران دارد که بدون تحلیل دقیق، ممکن است به خسارات اقتصادی و حقوقی گسترده منجر شود. پرسش اصلی تحقیق که در این جا مطرح می شود این است که آیا تغییر قوانین مربوط به قراردادهای نفت و گاز در ایران، می تواند بر حقوق و تعهدات طرفین قراردادهای داخلی و بین المللی موجود و آتی تأثیر بگذارد؟

۲- سوابق و مبانی نظری پژوهش

پژوهش های مختلفی به تحلیل اهمیت و نقش داوری در قراردادهای نفت و گاز ایران پرداخته اند که داوری را به عنوان روشی تخصصی و کلیدی برای حل اختلافات بین المللی در این حوزه معرفی کرده اند. این پژوهش ها به بررسی مزایا و معایب روش داوری، از جمله سرعت بالا، محرمانگی و هزینه بر بودن آن پرداخته اند و تأکید کرده اند که برای رسیدگی به این اختلافات، داورانی با دانش فنی و حقوقی تخصصی نیاز است. (موحد، ۱۳۷۴) در سلسله پژوهش ها به قوانین حاکم بر داوری در قراردادهای نفت و گاز اشاره شده است که در ایران، داوری می بایست مطابق با سه مرجع قانونی اصلی باشد: آیین دادرسی مدنی، قانون حمایت از سرمایه گذاری خارجی و قانون نفت ایران. همچنین، قوانین بین المللی مانند کنوانسیون نیویورک و حقوق داوری تجاری بین المللی از قوانین مهم در این حوزه هستند که بر روند داوری تأثیر گذارند. (گروه نویسندگان، ۱۳۷۹) پژوهش های دیگر با تمرکز بر اهمیت نهاد داوری در اختلافات نفتی ایران، به تحلیل جایگاه داوری در حل و فصل اختلافات میان دولت ها و شرکت های خارجی پرداخته اند و چالش ها و موانع قانونی موجود برای رجوع به داوری را بررسی کرده اند. این مطالعات به ضرورت اصلاح شرایط قانونی مراجعه به داوری اشاره داشته و پیشنهادهای برای تسهیل فرآیند داوری و افزایش امنیت سرمایه گذاری مطرح کرده اند. برخی مقالات به بررسی تحولات حقوقی و چالش های ناشی از شروط داوری در قراردادهای نفت و گاز به ویژه در پرتو آرای قضایی پرداخته اند که نشان دهنده روند رو به تکامل و تغییر سیاست ها در تنظیم شرایط داوری برای مدیریت بهتر اختلافات است. این تحولات به سمت مقررات متحدالشکل و داوری نهادی بوده اند که عملکرد داوری را با صرفه جویی در زمان و هزینه بهبود می بخشد. همچنین برخی اسناد و مقالات به تحلیل آرای داوری و حقوق پویا در قانون حاکم بر قراردادهای نفتی پرداخته اند که اهمیت قوانین حاکم، شرایط انتخاب داوران و چارچوب های حقوقی را برای مدیریت داوریهای نفتی روشن می کنند. این مطالعات تأکید بر امنیت حقوقی و جلوگیری از بروز اختلافات حقوقی پیچیده دارند. (باصری، ۱۳۷۹)

۲-۱- نقد سوابق پژوهش

۲-۱-۱- نقد کلی بر جامعیت و عمق تحلیلها:

بسیاری از پژوهش های انجام شده، به خوبی جایگاه و اهمیت نهاد داوری در قراردادهای نفت و گاز را تبیین کرده اند و به مزایا و معایب استفاده از داوری اشاره کرده اند. با این حال، برخی از این پژوهش ها عمدتاً به بیان کلیات پرداخته اند و کمتر

به تحلیل عمیق و بروزترین تغییرات حقوقی و تحولات بین المللی پرداخته اند که می تواند برای فهم بهتر آثار حقوقی تغییر قوانین داوری ضروری باشد. (ریاض، طارق و القشیری، ۱۳۸۲)

۲-۱-۳- چالش قانونگذاری و تعارض قوانین:

برخی پژوهش ها تاکید کرده اند که وجود سه مرجع قانونی در ایران (آیین دادرسی مدنی، قانون حمایت از سرمایه گذاری خارجی و قانون نفت) و همچنین قوانین و کنوانسیون های بین المللی باعث تعارض و ابهام در مسائل داوری شده است. نقد اصلی در این حوزه این است که بسیاری از پژوهش ها راهکارهای عملی و مشخصی برای رفع این تعارض ها ارائه نکرده و فقط به بیان مشکلات بسنده کرده اند. (حسن بیگی، ۱۳۸۰).

۲-۱-۴- نقد بر مشروعیت و تبیین شرایط داوری:

در موضوع مشروعیت ارجاع اختلافات به داوری، پژوهش های موجود نظرات مختلفی ارائه داده اند اما عمدتاً به نقش محدودیتهای قانونی همچون اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته اند، بدون آنکه به نحوه اعمال این محدودیتها در پروندههای واقعی یا تفاوت های رویه های داوری در عمل توجه کافی نشان دهند. این باعث شده پژوهش ها کمتر به چالش های حقوقی و اقدامات قضایی واقعی که شرکت های نفتی با آن مواجه هستند، بپردازند.

۲-۱-۵- عدم توجه کامل به ابعاد فناوری و اقتصادی:

در اکثر پژوهش ها، تحلیل حقوقی و مقرراتی اولویت داشته و تحلیلهای اقتصادی و فناوری مرتبط با حوزه نفت و گاز در داوری کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در حالی که این عوامل می توانند تأثیر قابل توجهی بر شیوه و کارکرد داوری داشته باشند. (باصری، ۱۳۷۹)

۲-۱-۶- کاستی در ارائه راهکارهای عملی و پیشنهاد های حقوقی:

با وجود تأکید بر مشکلات موجود قانونی و مقرراتی در داوری معاهدات نفت و گاز ایران، بسیاری از پژوهش ها پیشنهاد های مشخص و قابل اجرا برای بهبود وضعیت حقوقی داوری ارائه نکرده اند یا راهکارهای آنان کلی و کلیشه ای بوده است.

۲-۱-۷- محدودیت در موارد مورد مطالعه و کاربردی بودن پژوهش:

برخی از پژوهش ها بیشتر به صورت نظری و توصیفی بوده اند و کمتر به بررسی موردی (case studies) و روندهای عملی داوری در معاهدات نفت و گاز ایران پرداخته اند که میتواند تصویری واقعی تر از مشکلات و ضرورت های تغییرات قانونی ارائه دهد.

۲-۲- مفهوم و اهمیت داوری در قراردادهای نفت و گاز

داوری به عنوان یک روش حل و فصل اختلاف خارج از دادگاه، جایگاه ویژه ای در قراردادهای بین المللی نفت و گاز دارد. این قراردادها یک مولفه کلیدی اقتصاد و سیاست کشورها محسوب میشوند و اختلافات ناشی از آنها می تواند خسارات اقتصادی سنگینی داشته باشد. از این رو، تسریع در حل و فصل اختلافات با حفظ محرمانگی و تخصص فنی، مهمترین مزیت داوری است که موجب شده این نهاد به عنوان روش غالب در قراردادهای نفتی انتخاب شود. (ایران پور، ۱۳۸۷)

۳- مبانی حقوقی داوری در معاهدات نفت و گاز ایران

در ایران، داوری در قراردادهای نفت و گاز تابع سه مرجع اصلی قانونی است:

آیین دادرسی مدنی (مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱)

قانون حمایت از سرمایه گذاری خارجی

قانون نفت ایران

این چارچوب قانونی باید به گونه ای تفسیر و اجرا شود که هم با سیاست های ملی همسویی داشته باشد و هم با استانداردها و کنوانسیون های بین المللی مانند کنوانسیون نیویورک درباره به رسمیت شناختن و اجرای آرای داورى خارجى هماهنگ باشد. (امیر معینی، ۱۳۸۴)

۴- مبانی بین المللی و قواعد داوری در قراردادهای نفت و گاز

در سطح بین المللی، قواعد داوری مانند موارد مندرج در کنوانسیون نیویورک، قوانین داوری تجاری بین المللی و مقررات نهادهای داوری چون UNCITRAL، ICC و ICSID، بستر حقوقی مهمی را برای حل اختلافات فراهم می آورند. این قواعد تلاش دارند چارچوبی استاندارد، عادلانه و اجرایی برای داوری ارائه دهند که قابلیت پذیرش گسترده در بازارهای بین المللی را داشته باشد.

۵- اصول حقوقی حاکم بر داوری نفت و گاز

اصل توافق و رضایت: شرط داوری باید به وضوح در قرارداد منعقد شده باشد تا ارجاع به داوری مشروعیت یابد. اصل تخصص داوران: داوری باید توسط افرادی با تخصص حقوقی و فنی در حوزه نفت و گاز انجام شود.

۱-۵- اصل بیطرفی و بیطرفی داوران

اصل الزامآوری و قابلیت اجرایی آرا: آرای داوری باید بر اساس قوانین داخلی و کنوانسیون های بین المللی قابلیت اجرا داشته باشند.

۵-۲- فرآیندهای حقوقی بررسی و اجرای آرای داوری

فرآیندهای داوری باید همخوان با قوانین داخلی ایران باشد و در عین حال، باید امکان اجرای آراء داوری در سطح بین المللی فراهم گردد. تضاد احتمالی میان قوانین داخلی و بین المللی در این زمینه نیازمند تفسیر دقیق حقوقی و ارائه راهکارهای تعادلی است (ابراهیمزاده، ۱۳۸۵).

۶- تحولات و چالش های حقوقی در داوری معاهدات نفت و گاز

با تغییرات قوانین داخلی و بین المللی و تاثیر تحریم ها، فورس ماژور و تحولات اقتصادی و فناوری، داوری نیز باید به روز و مطابق با این تحولات اصلاح شود. این موضوع، لزوم پژوهش های حقوقی و بسط مبانی نظری دقیق در زمینه داوری نفت و گاز را افزایش می دهد. مرکزیت پژوهش بر این مبانی نظری، تفسیر دقیق و جامع از ماهیت، قواعد، اصول، چالشها و تحولات حقوقی داوری در قراردادهای نفت و گاز را فراهم می کند که به نوبه خود می تواند مبنای استراتژیک و کاربردی برای تحلیل آثار حقوقی تغییر قوانین داوری در معاهدات نفتی ایران باشد. (موحد، ۱۳۸۴)

۶-۱- جایگاه داوری در حقوق بین الملل خصوصی نفت و گاز

داوری به عنوان ابزاری موثر در حقوق بین الملل خصوصی، نقشی حیاتی در تنظیم مناسبات حقوقی پیچیده و چندوجهی قراردادهای نفت و گاز ایفا می کند. در این معاهدات، مواجهه با قوانین چندگانه و منافع متضاد دولتها و شرکتهای چندملیتی، میطلبد داوری بتواند ضمانت اجرای عادلانه و کارآمدی برای حل و فصل اختلافات فراهم آورد. از این منظر، تغییرات قوانین داخلی باید با رویه های بین المللی که تناسب با ماهیت فراملی این قراردادها دارد، تطابق یابد تا از ایجاد خلاءهای حقوقی جلوگیری شود. (گروه نویسندگان، ۱۳۷۹)

۶-۲- تعامل بین قوانین ملی و قواعد حقوق بین المللی داوری

یکی از مهمترین مباحث در تفسیر حقوقی تغییر قوانین، نحوه تعامل و تطبیق قوانین داخلی ایران با قواعد حقوق بین الملل نظیر کنوانسیون نیویورک و قواعد UNCITRAL است. عدم هماهنگی میان این سطوح حقوقی می تواند منجر به مشکلاتی

مانند موانع در اجرای آرای داوری خارجی یا ایجاد شکاف در اعتبار داوری شود. این موضوع ضرورت تدوین رویه های تطبیقی و سازوکارهای حل تعارض قوانین را دوچندان می سازد.

۳-۶- تحلیل ساختاری حقوقی داوری نفت و گاز

داوری نفت و گاز نه تنها نیازمند رعایت اصول حقوقی داوری عمومی است بلکه به خاطر ویژگی های منحصر به فرد این صنعت، باید شامل چارچوب حفاظتی و تضمینی ویژه ای نیز باشد. مثل:

۳-۶-۱- اصول حاکمیت ملی بر منابع طبیعی

تضمین تعهدات قراردادی در محیطی پرتنش سیاسی و اقتصادی

۳-۶-۲- ملاحظات زیستمحیطی و مقررات انرژی

تغییر قانون داوری در ایران باید پاسخگوی این ملاحظات بوده و به گونه ای طراحی شود که هم امنیت حقوقی طرفین حفظ شود و هم منافع ملی کشور آسیب نبیند.

۳-۶-۳- نقش فناوری و تحولات نوین در پولسازی و اجرای داوری

پیشرفتهای فناوری اطلاعات و ابزارهای نوین مدیریت قراردادهای تأثیر عمیقی بر روند داوری معاهدات نفت و گاز دارند. استفاده از فناوری های نوین می تواند روند داوری را شفافتر، سریعتر و کم هزینه تر نماید، اما الزامآور بودن این فناوری ها و سازگاری قوانین داوری با این نوآوری ها نیازمند تغییرات قانونی دقیق و مبتنی بر تحلیل های همزمان فنی و حقوقی است. (کاشانی، ۱۳۸۸)

۷- آثار تحریم ها و بحران های بین المللی بر داوری نفت و گاز

بحرانهای سیاسی و اقتصادی و به ویژه تحریمهای بین المللی، یکی از بزرگترین چالش هایی است که داوری قراردادهای نفت و گاز با آن مواجه است. اثرات تحریم ها در تغییر قواعد داوری و شیوه های رسیدگی، به ویژه در موضوع فورس ماژور و تعلیق یا فسخ قراردادها، اجتناب ناپذیر است. تغییر قانون باید این موارد را به دقت منظور کند تا ضمن حفظ حقوق طرفین، از پیچیدگی های حقوقی و اقتصادی ناشی از تحریم ها جلوگیری شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۷)

۸- ضمانت های اجرایی و اصلاح مقررات حمایتی سرمایه گذاری

یکی از مهمترین مباحث در تغییر قوانین داوری، افزایش ضمانت اجرای آراء داوری و تعریف مقررات حمایتی برای سرمایه گذاران خارجی در ایران است. تقویت این بخش می تواند موجب افزایش جذابیت قراردادهای نفت و گاز ایران شده و اطمینان سرمایه گذاران را بالا ببرد. از این نظر، تاکید بر شفافیت قوانین داوری و سازوکارهای منسجم قضایی-اجرایی حیاتی است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷)

۹- روندهای جدید حقوقی، ساختاری و فناورانه که رویکردی به روز تر و عملیتر ایجاد می کند:

۹-۱- حرکت از داوریهای موردی به سمت «داوری نهادی» و مقررات متحدالشکل

در نسل جدید قراردادهای نفت و گاز، نظام های داوری سنتی و متشتت جای خود را به نهادهای رسمی و تخصصی (همچون ICC، UNCITRAL، ICSID) داده اند. مقررات متحدالشکل باعث کاهش آشفتگی و بالا بردن امکان پیش بینی پذیری در نتیجه داوری ها شده و نقش سیاست گذاری داخلی را کمتر کرده است. این تحول می تواند الگویی برای اصلاح ساختار حقوقی ایران باشد تا با تمرکز بر داوری نهادی و بهره گیری از تجربیات بین المللی، امنیت حقوقی قراردادهای ایران را بالا ببرد. (کاشانی، ۱۳۸۹)

۹-۲- ورود رویکرد «Lex Petrolea» (حقوق فراملی نفت و گاز)

حقوق نفت و گاز اکنون فقط تابع قوانین ملی و کنوانسیون ها نیست، بلکه مجموعه ای از اصول و رویه های تخصصی فراملی تحت عنوان «Lex Petrolea» در حال شکل گیری است که در داوری ها مورد استناد قرار می گیرد و تضمین کننده امنیت سرمایه گذاری و انعطاف پذیری داوری است. این مفهوم می تواند ابزاری نوآورانه برای ایجاد رویه های عادلانه و تخصصی و کاهش تعارضات حقوقی در دعاوی داوری نفت و گاز ایران باشد. (شهیدی، ۱۳۸۲)

۹-۳- خدشه ناپذیری شرط ثبات قرارداد و بحران های ناشی از تحریم و فورس مازور

یکی از نوآوری های مهم در داوری قراردادهای جدید نفتی، ورود «شرط ثبات» است؛ به گونه ای که در صورت تغییر قانون یا بروز بحرانهای سیاسی اقتصادی (مانند تحریم)، طرفین بتوانند بدون آسیب جدی از داوری منتفع شوند. ایجاد و بارور کردن این شرط در ساختار قراردادها، ابزار مهمی برای کاهش ریسک حقوقی و افزایش جذابیت سرمایه گذاری است. (شیروی، ۱۳۹۴)

۹-۴- تحولات فناورانه در شفافیت و اثبات امور در داوری نفت و گاز

امروزه استفاده از فناوری های نوین مانند بلاکچین برای ثبت و مدیریت اسناد قراردادها، ابزار تحلیل داده، و حتی هوش مصنوعی برای پردازش اسناد حقوقی باعث افزایش شفافیت، کاهش هزینه و زمان و کاهش خطای انسانی در فرآیند داوری شده اند. ورود این فناوری ها، چالش های جدیدی در اعتبار و محرمانگی اسناد و روند رسیدگی ایجاد کرده و نیازمند اصلاح و نوآوری در مقررات داوری است تا همگام با شرایط جهانی و نیازهای تجاری باشد. (شیروی، ۱۳۹۰)

۹-۵- تدوین و روزآمدسازی «استانداردها و بهترین رویه های صنعت نفت» در داوریه

در سطح بین المللی مراجع تخصصی همچون وزارت نفت و انجمن های نفت و گاز، استانداردها و رویه های عملیاتی به روز و مکتوب تنظیم و تدوین می کنند و طرفین اختلاف در داوری ها به این متون استناد می کنند. این رویکرد سبب می شود اختلافات بر اساس بهترین رویه و معیارهای عملیاتی و فنی روز حل شود و از ورود اختلافات انتزاعی یا سیاسی جلوگیری گردد. (شهیدی، ۱۳۸۲)

۹-۶- پرداخت غرامت و مدیریت ریسک با ابزارهای نوین قراردادی

به جای مفاهیم سنتی مسئولیت، شروط تعهد به پرداخت غرامت و ابزارهای تقسیم ریسک در قراردادها نقش پررنگی یافته و با تغییرات حقوقی نوین مانند «مسئولیت مشترک و تضامنی» و «تخصیص ریسک» در داوری های نفت و گاز، منافع طرفین به طور عادلانه تر تضمین می شود.

۱۰- اصلاحات حقوقی برای تسهیل سرمایه گذاری در بخش خصوصی و بین المللی

نوآوری دیگر، اصلاح مقررات داوری به منظور جذب سرمایه گذاران خارجی در قراردادهای نفت و گاز ایران است؛ به گونه ای که محدودیت های قانونی فعلی (اصل ۱۳۹ قانون اساسی و غیره) تسهیل و چارچوب حقوقی شفافتر برای ارجاع به داوری و اجرای بی درد سر آراء داوری ایجاد شود. (باصری، ۱۳۷۹)

۱۰-۱- تاثیر تغییر قانون بر نقش شرط داوری و مراجع صلاحیت دار

تغییر قوانین داوری در ایران می تواند وضعیت اعتبار و اجرای شرط داوری را متحول کند. برای مثال، اصلاح مقررات داوری ممکن است موجب اعتباربخشی به شرط داوری در قراردادهای نفت و گاز حتی در مقابل محدودیت های مواد آیین دادرسی مدنی و اصل ۱۳۹ قانون اساسی شود. نتیجه این امر کاهش اتلاف وقت و هزینه دادرسی، افزایش قطعیت حل اختلاف و بالا رفتن جذابیت قرارداد برای طرف خارجی خواهد بود. (ایران پور، ۱۳۸۷)

۱۰-۲- دگرگونی در اجرای آرای داوری خارجی و داخلی

در مقررات فعلی، اجرای آرای داوری خارجی مشروط به رعایت مراحل مختلف تأیید و تنفیذ است. با تغییر قانون، می توان این روند را تسهیل کرد و فرآیند اجرای آرا را سریعتر کرد. این تحول باعث کاهش ریسک حقوقی برای سرمایه گذاران و شرکت های نفتی شده و موجب افزایش اعتبار ایران در نظام داوری بین المللی خواهد شد. جزئی ترین اثر حقوقی در این زمینه، تضمین اجرایی آرای داوری حتی در شرایطی مانند تغییر قانون پس از وقوع اختلاف و ایجاد شرایط فورس ماژور جدید است. (اخوان، طاهری فرد، ۱۳۸۷)

۱۰-۳- خلق نهاد داوری تخصصی ملی و منطقه ای

یکی از آثار نوآورانه تغییر قانون داوری، امکان راهاندازی نهادهای داوری تخصصی در حوزه نفت و گاز با جایگاه ملی یا منطقه ای است. این نهادها با همکاری داوران داخلی و بین المللی و تدوین مقررات اختصاصی، هم به رفع خلأ مقررات داوری در حوزه انرژی کمک می کنند و هم سرعت و کارایی حل اختلافات را افزایش میدهند.

۱۰-۴- تاثیر بر تعیین قانون حاکم و صلاحیت انتخابی طرفین قرارداد

تغییر قانون داوری می تواند محدودیتهای فعلی در زمینه انتخاب قانون حاکم بر قرارداد توسط طرفین را کاهش دهد. این آزادی، تضمین می کند مسائل تخصصی فنی هر قرارداد مطابق حقوق مورد توافق طرفین و عرف جهانی رسیدگی شود، که خود منجر به افزایش انصاف حقوقی و کاهش تعارضات قانونگذاری خواهد شد. (اخلاقی، ۱۳۸۷)

۱۰-۵- قابلیت جایگزینی داوری آنلاین و هوشمند به جای داوری سنتی

با اصلاح مقررات، داوری آنلاین^۱ و استفاده از هوش مصنوعی در مدیریت و بررسی دعاوی فراهم می شود. اثر حقوقی این تحول، افزایش دسترسی، کاهش هزینه و شفافیت در فرآیند داوری است. همین حالا در بسیاری از نهادهای نوین داوری، اطلاعات اسناد و شواهد به صورت رمزنگاری شده و مطمئن مدیریت می شود (ابراهیمی، ۱۳۸۷).

۱۰-۶- تغییر در ترتیبات و نحوه پرداخت غرامت و مدیریت ریسک

در قراردادهای مدرن، مقررات داوری تغییر یافته باعث می شود نحوه پرداخت غرامت، تقسیم مسئولیت ها، تخصیص ریسک میان طرفین و حتی مکانیزم بیمه حقوقی دقیقتر و عادلانه تری پیاده شود؛ تا در مواقع تغییر قانون یا بروز بحران، خسارت و مسئولیت هر طرف به وضوح مشخص باشد.

۱۰-۷- افزایش شفافیت و ضمانتهای ضد فساد

یکی دیگر از آثار حقوقی مهم تغییر قانون، الزام به شفافیت بیشتر در فرآیند داوری و تدوین استانداردهای ضد فساد و تضاد منافع است؛ به گونه ای که داوران باید استانداردهای اخلاقی، گزارش دهی و محرمانگی را رعایت کنند و طرفین داوری برای افشای روابط مالی و تجاری ملزم باشند. (ابراهیمزاده، ۱۳۸۵)

۱۱- مروری بر نظریه های مرتبط**۱۱-۱- نظریه «داوری به عنوان ابزار اصلی حل اختلاف در قراردادهای نفت و گاز»**

این نظریه یکی از بنیادین ترین دیدگاه ها در حوزه حقوق نفت و گاز است که معتقد است داوری بهترین و کارآمدترین راه برای حل اختلافات ناشی از قراردادهای این حوزه است. داوری، به دلیل مزایایی مانند سرعت بیشتر نسبت به دادگاه های عمومی، تخصص فنی داوران، محرمانگی و قابلیت اجرایی بین المللی آرا، به عنوان روش ترجیحی در قراردادهای نفتی شناخته

^۱ - Virtual Arbitration

می شود. این نظریه بر این باور است که داوری، ضمن کاهش ریسک اختلافات، به حفظ روابط اقتصادی و سیاسی طرفین نیز کمک می کند.

تحلیل نظری: این نظریه کاملاً با وضعیت ایران و روابط بین المللی آن همخوانی دارد؛ چرا که در معاهدات نفت و گاز ایران نیز داوری به شکل گسترده ای به عنوان مکانیزم حل اختلاف مورد استفاده قرار می گیرد. با این حال، تغییر قوانین داخلی و بین المللی می تواند موجب تقویت یا تضعیف این نظریه شود، به خصوص اگر اجرای آرای داوری دشوار شود. لذا پژوهش حاضر باید در چارچوب این نظریه، آثار حقوقی تغییر قوانین را تحلیل کند که چگونه این تغییر منجر به افزایش یا کاهش اعتماد به داوری می شود. (کاشانی، ۱۳۸۸)

۱۱-۲- نظریه «تعامل قوانین داخلی و بین المللی در داوری»

این نظریه بر پیچیدگی های ناشی از تداخل مقررات حقوق داخلی و مقررات حقوق بین المللی تأکید می کند. به ویژه در حوزه نفت و گاز که قراردادهای فراملی و دارای ذینفعان از کشورهای مختلف است، تعارض حقوقی میان قانون حاکم داخلی و قواعد بین المللی، می تواند منجر به سردرگمی در صلاحیت و اجرای داوری شود. این نظریه بر ضرورت هماهنگی و تدوین مقرراتی تأکید دارد که بتواند تداخل قوانین را مدیریت کند. تحلیل نظری: این دیدگاه، جنبه های نوآورانه قابل توجهی دارد، زیرا تغییر قانون در ایران نیازمند لحاظ هماهنگی با کنوانسیون های بین المللی نظیر کنوانسیون نیویورک و قواعد UNCITRAL است. پژوهش حاضر می تواند با به کارگیری این نظریه، به تحلیل تطبیقی قوانین داخلی و بین المللی بپردازد و راهکارهای حقوقی برای کاهش تعارض ها ارائه دهد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷)

۱۱-۳- نظریه «داوری نهادی در مقابل داوری موردی»

بر اساس این نظریه، در داوری بین المللی نفت و گاز، داوری نهادی^۱ که توسط مراکز تخصصی و سازمان یافته انجام می گیرد، نسبت به داوری موردی از امنیت حقوقی، قابلیت پیش بینی و کارایی بیشتر برخوردار است. این امر به دلیل قواعد روشن، سازوکارهای کنترل کیفیت داورها و به کارگیری مقررات متحدالشکل است. تحلیل نظری: با توجه به نوآوری های قانون گذاری اخیر در عرصه داوری، این نظریه نشانگر اهمیت تغییر ساختار به سمت حمایت از داوری نهادی است. پژوهش حاضر می تواند تأکید کند چگونه تغییر قانون می تواند نظام داوری نفت و گاز را از حالت پراکنده و موردی به وضعیت نهادی و منظم تبدیل کند و چه تبعاتی برای امنیت حقوقی قراردادهای دارد. (موحد، ۱۳۷۴)

۱۱-۴- نظریه (حقوق فراملی نفت و گاز)^۲

این نظریه به عنوان نگرشی نسبتاً نوین، تأکید بر وجود یک رژیم حقوقی تخصصی به تدریج شکل گیرنده در سطح فراملی نفت و گاز دارد که شامل اصول، عرف و رویه های داوری خاص این صنعت است. این نظام فراملی، زمینه ای برای افزایش ثبات حقوقی و پیش بینی پذیری در داوریهای ایجاد می کند.

تحلیل نظری: این زاویه نگاه به طور خاص با مسئله تغییر قانون در ایران مرتبط است؛ زیرا پذیرش و تعمیم این اصول فراملی در قوانین داخلی و اصلاح داوری می تواند امکان تعامل بهتر با نظام های داوری بین المللی را فراهم آورد و در عین حال منافع ملی را حفظ کند. پژوهش حاضر می تواند با تحلیل این نظریه، پیشنهاداتی برای انطباق قوانین داوری ایران با این فرهنگ فراملی ارائه دهد.

^۱ - Institutional Arbitration

^۲ Lex Petrolea

۱۱-۵- نظریه «حقوق فناوری و نوآوری در داوری»

نظریه جدید و رو به رشدی است که بر تأثیر فناوری های نوین در فرآیند داوری تأکید دارد، از جمله استفاده از هوش مصنوعی، بلاکچین و دادگاه های داوری مجازی. این فناوری ها می توانند هزینه ها و زمان داوری را به شدت کاهش دهند و موجب شفافیت و دسترسی بیشتر به عدالت شوند اما در عین حال چالش های جدیدی در زمینه محرمانگی، امنیت داده ها و اعتبار قانونی ایجاد می کنند.

تحلیل نظری: این نظریه به پژوهش حاضر امکان می دهد جنبه های نوآوران هتر تاثیر تغییر قوانین را در بستر فناوری مورد بررسی قرار دهد و بررسی کند که چگونه قانونگذاری باید با حفظ تعادل میان نوآوری و تضمین اصول حقوقی، به این تحولات پاسخ دهد.

۱۲- آثار حقوقی تغییر قانون در داوری معاهدات بین المللی

آثار حقوقی تغییر قانون در زمینه داوری معاهدات بین المللی ابعاد متعددی دارد که باید از جنبه های مختلف حقوقی، عملی و بین المللی مورد بررسی قرار گیرد. داوری به عنوان یکی از مهمترین روش های حل اختلاف در روابط بین المللی، جایگاه ویژه ای دارد و تغییر هرگونه قانون یا مقرر در این حوزه می تواند تأثیرات گسترده و عمیقی بر روند داوری ها و حقوق طرفین داشته باشد.

ابتدا باید توجه داشت که داوری معاهدات بین المللی بر پایه توافق صریح یا ضمنی طرفین قرارداد انجام می شود و این توافق در قالب شرط داوری یا بند داوری در متن قرارداد درج می گردد. تغییر در قوانین داوری یا مقررات مرتبط می تواند به تغییر در ماهیت و نحوه اجرای این توافق بینجامد. به عنوان مثال، اگر قانون جدید شرایط صلاحیت داوران، نحوه انتخاب آنها یا روش رسیدگی به دعاوی را تغییر دهد، این امر موجب تغییر در روند رسیدگی به اختلافات می شود و ممکن است ظرفیت حل و فصل سریع و موثر اختلافات را تحت تأثیر قرار دهد.

یکی از مهمترین آثار حقوقی تغییر قانون، تغییر در صلاحیت هیأت داوری است. قوانین جدید ممکن است اختیارات داوران را محدودتر یا گسترده تر کنند و این موضوع بر اعتبار و قابلیت اجرایی آراء داوری اثر می گذارد. به بیان دیگر، آراء صادرشده تحت قوانین قدیمی ممکن است در آینده بر مبنای قوانین جدید قابل ابطال یا نقض شناخته شوند یا بالعکس، آراء صادرشده بر اساس قوانین جدید ممکن است شرایط اجرایی متفاوتی داشته باشند که از نظر حقوقی برای طرفین اختلاف آفرین باشد. تغییر قوانین همچنین بر نظام ابطال و اجرای آراء داوری تأثیر دارد. قوانینی که نحوه اجرا یا امکان اعتراض به آراء را تغییر دهد، باعث تغییر استقبال نظام قضایی داخلی از آراء داوری می شود. در برخی مواقع، قوانین جدید ممکن است راهکارهای جدیدی برای حمایت از آراء داوری خارجی ارائه دهند یا برعکس، محدودیتهای جدیدی در مرحله اجرای رأی اعمال کنند که امنیت حقوقی و اعتماد به داوری بین المللی را تحت الشعاع قرار می دهد. (موحد، ۱۳۸۴)

نکته مهم دیگر تأثیر تغییرات قانون بر تعارض قوانین است. قوانین جدید ممکن است قواعد تازه ای برای تعیین قانون حاکم بر داوری یا حل تعارض میان قوانین داخلی و بین المللی ارائه دهند. این امر در معاهدات نفت و گاز که اغلب چندجانبه و مرتبط با حقوق دولتی و بین المللی است، اهمیت مضاعفی دارد. در این قراردادها، به دلیل حساسیت موضوع و دخالت دولت ها، تغییر قانون می تواند منجر به بروز چالش هایی در پذیرش صلاحیت داوری یا اجرای آرای صادره شود. از سوی دیگر، تغییر قانون می تواند به تغییر در میزان دخالت دادگاه های داخلی منجر شود. در بعضی قوانین جدید، ممکن است اجازه دخالت دادگاه ها در برخی مراحل داوری کمتر یا بیشتر شود؛ این امر نقش دادگاه ها را در حمایت یا ممانعت از داوری تغییر می دهد و بر تعادل میان خودمختاری داوری و نظارت قضایی تأثیرگذار است. افزایش دخالت دادگاه ها می تواند موجب افزایش

پیچیدگی و طولانی تر شدن فرآیند داوری شود و بالعکس، کاهش دخالت می تواند موجب تسهیل و تسریع حل و فصل اختلافات شود. در نظام حقوقی ایران، به ویژه در حوزه معاهدات نفت و گاز، تغییرات قوانین داوری اهمیت ویژه ای دارند. این قراردادهای معمولاً پیچیده و بلند مدت بوده و غالباً دولت یا شرکت های دولتی در آنها دخیل هستند. هرگونه تغییر قانونی باید به گونه ای باشد که موجب افزایش اطمینان و امنیت حقوقی طرفین شده و از پیچیدگی ها و نااطمینانی های حقوقی بکاهد. همچنین توجه به تطبیق قوانین داخلی با استانداردهای بین المللی به منظور افزایش اعتبار آراء داوری و پذیرش آنها در مراجع قضایی خارجی نیز ضروری است. در نتیجه، بررسی آثار حقوقی تغییر قانون در داوری معاهدات بین المللی نیازمند تحلیل جامع و دقیق از تغییرات حقوقی در ابعاد داخلی و بین المللی، توجه ویژه به مسائل مربوط به صلاحیت، نحوه رسیدگی، ابطال و اجرای آراء داوری و نیز تأثیر این تغییرات بر نقش دادگاه ها و تعارض قوانین است. تنها از این طریق است که می توان از ایجاد نا اطمینانی های حقوقی جلوگیری کرد و چارچوبی مناسب برای حل و فصل اختلافات بین المللی فراهم نمود که هم عدالت را تأمین کند و هم ثبات و پیش بینی پذیری حقوقی را حفظ نماید. (حسن بیگی، ۱۳۸۰)

۱۳- تأثیر تغییر قوانین بر مقررات مربوط به صلاحیت هیئت داوری و نحوه انتخاب داوران

تغییر قوانین در داوری معاهدات بین المللی تأثیر عمیقی بر مقررات مربوط به صلاحیت هیئت داوری و نحوه انتخاب داوران دارد. این تغییرات می تواند در موارد زیر رخ دهد:

اولاً، تغییر قانون ممکن است معیارها و شرایط صلاحیت داوران را دستخوش تغییر کند؛ به گونه ای که معیارهای حرفه ای، بیطرفی، استقلال و تخصص داوران سختگیرانه تر یا به صورت منعطف تری تعریف شود. این امر مستقیماً در کیفیت، اعتبار و پذیرش آرای داوری تأثیرگذار است.

ثانیاً، نحوه انتخاب داوران می تواند تحول یابد. برای مثال قوانین جدید ممکن است فرآیندهای بیشتری برای جلوگیری از تضاد منافع یا صلاحیت داورانی که ممکن است سوگیری داشته باشند، ایجاد کنند یا روش های تعیین داوران توسط طرفین و یا نهادی نظارتی مانند مرکز داوری تغییر یابد. همچنین، پیش بینی گزینه هایی چون داور جانشین یا نحوه حل اختلاف درباره انتخاب داور نیز ممکن است با قوانین جدید بهبود یابد.

ثالثاً، تغییر قانون می تواند محدودیت هایی را درباره صلاحیت هیئت داوری اعمال کند، مثلاً مواردی که موضوع قابل داوری نیست (موضوعات ممنوعه یا مربوط به سیاستهای عمومی کشورها) را معرفی یا گسترش دهد. این موضوع اهمیت ویژه ای در معاهدات بین المللی دارد که در آنها تعارض میان قوانین داخلی و تعهدات بین المللی ممکن است رخ دهد.

چهارم، تغییر قانون ممکن است تأثیر بر پذیرش صلاحیت هیئت داوری از جانب دادگاه های داخلی و بین المللی داشته باشد. برخی قوانین جدید ممکن است امکان مداخلات قضایی را در مواردی محدودتر یا گسترده تر کنند که این موضوع رابطه بین داوری و دستگاه قضایی را متأثر می سازد. در سطح بین المللی، سازمانها و قوانین داوری از جمله کنوانسیون نیویورک و مقررات مراکز معتبر داوری (مانند ICC, LCIA) با تدوین قواعد مشخصی در زمینه صلاحیت و انتخاب داوران، تلاش می کنند تا فرآیند داوری را منسجم و بی طرفانه کنند. تطابق قوانین داخلی با این قواعد بین المللی، باعث تسهیل اجرای آراء و افزایش اعتماد طرفین می شود. بنابراین، هرگونه تغییر در قوانین مربوط به صلاحیت و انتخاب داوران، باید با دقت فراوان و با لحاظ اصول بی طرفی، تخصص، و حفظ استقلال نهاد داوری طراحی شود تا از ایجاد نااطمینانی حقوقی، کاهش اثر بخشی حل و فصل اختلافات و تعارض با قوانین بین المللی جلوگیری شود. این موضوع در معاهدات نفت و گاز که معمولاً دارای ابعاد حساس سیاسی و اقتصادی است، اهمیت بیشتری پیدا می کند و رعایت تناسب میان قانونگذاری داخلی و استانداردهای بین المللی ضرورت می یابد. (هروان، ۱۳۷۵)

۱۳-۱- آثار تغییر قانون بر اعتبار و قابلیت اجرای آرای داوری بین المللی

تغییر قانون در زمینه داوری بین المللی تأثیر قابل توجهی بر اعتبار و قابلیت اجرای آرای داوری دارد. در واقع، آرای داوری بین المللی به عنوان یک راه حل جایگزین برای حل اختلافات، اگرچه دارای اعتبار قضایی و الزام آور هستند، اما این اعتبار و قابلیت اجرا تابع قوانین و مقررات حاکم بر داوری است که ممکن است با تغییر قانون دستخوش تحول شود. اولین اثر مهم تغییر قانون، بر نحوه و شرایط اعتبار رأی داوری است. قوانین جدید می توانند معیارهای دقیقتری برای بررسی صحت و مشروعیت آرای داوری وضع کنند که در نتیجه، برخی آرای صادرشده بر اساس قواعد سابق زیر سوال رفته و امکان ابطال آنها فراهم شود. به طور مثال، تغییر در موازن مربوط به صلاحیت داوری، رعایت حقوق طرفین، بیطرفی داوران و نحوه رسیدگی به اختلافات در قانون جدید، می تواند موجبات ابطال رأی داوری شود یا بالعکس، برخی آرای قدیمی تر به دلیل عدم تطابق با معیارهای جدید قابل پذیرش نباشند.

اثر دوم، بر قابلیت اجرای آرای داوری است. تغییر قانون ممکن است معیارهای جدیدی برای نحوه درخواست اجرا، موانع اجرای رأی و اختیارات دادگاه ها در این مرحله وضع کند. این امر باعث می شود که اجرای آرای داوری در کشورهای مختلف متفاوت باشد و امنیت و پیش بینی پذیری برای طرفین پرونده کاهش یابد. به عنوان مثال، قوانین جدید ممکن است موانع بیشتری در مسیر اجرای آراء خارجی ایجاد کنند یا از طرف دیگر، تسهیلات بیشتری برای اجرای آنها فراهم آورند.

سومین نکته مهم، تأثیر تغییر قانون بر تعارض قوانین و نقش دادگاه های داخلی است. در برخی موارد، قوانین جدید ممکن است دادگاه ها را مجاز به دخالت و بازنگری در آرای داوری کنند یا بر عکس، این دخالتها را محدودتر نمایند. این تغییر در میزان دخالت دادگاه ها می تواند هم منافع طرفین دعوی را بهتر حمایت کند و هم موجب پیچیدگی و طولانیتر شدن روند رسیدگی داوری گردد. در نهایت، در نظام حقوقی ایران که مبتنی بر قانون داوری تجاری بین المللی و کنوانسیون نیویورک است، تغییرات قانونی می تواند اثرات گسترده ای در زمینه اعتبار و قابلیت اجرای آرای داوری داشته باشد. به خصوص در قراردادهای حساس مانند معاهدات نفت و گاز که با مصالح و منافع کلان ملی در ارتباط است، تغییر قانون باید به گونه ای باشد که تضمین کننده امنیت حقوقی و اعتبار آرای داوری باشد و موانع حقوقی اضافی ایجاد نکند. از این رو، تغییر قوانین باید با هدف ارتقاء سیستم داوری و بهبود شرایط اجرای آرای داوری به منظور افزایش اعتماد طرفین و جامعه بین المللی صورت گیرد و در عین حال، چارچوب حقوقی منسجم و هماهنگ با قوانین بین المللی حفظ شود تا آثار قانونی منفی کاهش یابد. (حسن بیگی، ۱۳۸۰)

۱۳-۲- تغییر در رویه های ابطال و اجرای رأی داوری و جایگاه نظم عمومی

تغییر در رویه های ابطال و اجرای رأی داوری به ویژه در داوری بین المللی از اهمیت بالایی برخوردار است و این موضوع تأثیر عمیقی بر امنیت حقوقی و اعتبار نهاد داوری دارد. تغییر این رویه ها معمولاً شامل تغییر در شرایط، معیارها و مهلت های ابطال رأی داوری و نیز نحوه اجرای آراء صادره است که هر یک در جایگاه حفظ نظم عمومی اهمیت پیدا می کنند. از حیث ابطال رأی داوری، قوانین جدید اغلب دلایل مشخص و محدودی برای ابطال آرای داوری تعیین می کنند تا از تعدد اعتراضات بی مورد جلوگیری و تضمین شود که داوری به عنوان راه حلی سریع و مؤثر باقی بماند. در قانون داوری تجاری بین المللی ایران و همچنین قوانین نمونه بین المللی، مواردی همچون فقدان اهلیت یکی از طرفین، نبود اعتبار موافقت نامه داوری بر اساس قانون حاکم، عدم رعایت مقررات مربوط به ابلاغ اخطاریه ها، تجاوز داور از حدود اختیارات، ترکیب نادرست هیئت داوری و تضاد رأی با نظم عمومی، از جمله دلایل شناخته شده برای ابطال رأی هستند. (باصری، ۱۳۷۹)

توجه به «نظم عمومی» به عنوان یکی از اساسی ترین معیارهای ابطال و یا عدم اجرای رأی داوری اهمیت بسیاری دارد. رأی داوری اگر مغایر با اصول بنیادین حقوق کشور محل اجرای رأی باشد (مانند احترام به قوانین آمره، حفظ امنیت ملی، اخلاق عمومی و ...) ممکن است توسط دادگاه ها ابطال یا اجرا نشود. این قاعده باعث می شود که حتی اگر رأی داوری بر اساس قوانین بین المللی صادر شده باشد، در صورت مغایرت با نظم عمومی کشور، قابلیت اجرایی پیدا نکند؛ امری که در بسیاری از نظام های حقوقی جهان و در کنوانسیون نیویورک نیز تصریح شده است. (حسن بیگی، ۱۳۸۰)، در حوزه اجرای آرای داوری، تغییرات قانونی ممکن است مقررات مربوط به نحوه تقاضای اجرای رأی، موانع اجرای رأی و قدرت مراجع قضایی در این زمینه را دستخوش تغییر کنند. به طور معمول، اجرای رأی داوری تابع قانون محل اجرا است و تغییر در این قوانین ممکن است منجر به پیچیدگی های حقوقی و کاهش ضمانت اجرای آرای داوری شود. از طرف دیگر، قانون های جدید تلاش می کنند اجرای آرای داوری را تسهیل کنند تا سرمایه گذاران و طرفین قراردادهای اطمینان بیشتری نسبت به نتیجه داوری داشته باشند. علاوه بر این، اهمیت مهلت های زمانی اعتراض و ابطال رأی در قوانین جدید مورد تأکید قرار می گیرد تا از دعاوی کشدار جلوگیری شود و امنیت حقوقی طرفین حفظ شود. مهلت های ابطال رأی معمولاً کوتاه و محدود است و درخواست ابطال باید به شکلی مستند و با دلایل معتبر مطرح شود. از منظر کاربردی، تغییر در رویه های ابطال و اجرای رأی داوری باید متوازن با حفظ استقلال و بی طرفی داوری باشد. تغییرات افراطی در موارد ابطال یا مداخلات قضایی می تواند منجر به طولانی تر شدن فرآیند داوری و کاهش کارایی و جذابیت داوری به عنوان راه حل اختلاف شود. (دیدار، ۸۹-۱۳۸۸)

در نهایت، جایگاه نظم عمومی به عنوان خط قرمز حقوقی در ارزیابی و اعمال رویه های ابطال و اجرای آراء داوری است که باید همواره اصول عدالت، امنیت قانونی و منافع جامعه را تضمین کند. این موضوع در مناطق حساس و قراردادهایی نظیر معاهدات نفت و گاز که تابع قوانین و منافع ملی خاصی هستند، اهمیت مضاعفی دارد و تغییرات در قوانین و رویه های ابطال و اجرا باید با دقت و ملاحظه ویژه صورت گیرد.

بنابراین، تغییرات در رویه های ابطال و اجرای رأی داوری باید متوازن، مبتنی بر اصول حقوقی پذیرفته شده و ضمن صیانت از استقلال داوری، امکان اجرای مؤثر و قابل پیش بینی آرای داوری را فراهم آورد تا ضمن حفظ نظم عمومی، امنیت حقوقی و مصلحت طرفین نیز تأمین شود. تغییر در رویه های ابطال و اجرای رأی داوری بین المللی تأثیر عمیقی بر امنیت حقوقی و اعتبار نهاد داوری دارد و معمولاً شامل تغییر در شرایط، معیارها و مهلت های ابطال رأی و نحوه اجرای آراء است. در قوانین جدید، دلایل مشخص و محدودی برای ابطال آرای داوری وجود دارد، از جمله فقدان اهلیت یکی از طرفین، اعتبار نداشتن موافقتنامه داوری بر اساس قانون حاکم، عدم رعایت مقررات ابلاغ اخطاریه ها، تجاوز داور از حدود اختیارات، ترکیب نادرست هیئت داوری و تضاد رأی با نظم عمومی. نظم عمومی به عنوان خط قرمز حقوقی، مانع اجرای آرای می شود که با اصول بنیادین حقوق کشور محل اجرا مغایرت دارند، مانند قوانین آمره، امنیت ملی و اخلاق عمومی. این اصلاحات در قوانین معمولاً مهلت های کوتاه و شرایط سختی برای اعتراض به آرای داوری تعیین می کنند تا از کشمکش های طولانی جلوگیری شود و امنیت حقوقی حفظ گردد. در بخش اجرای آراء، قوانین جدید تلاش می کنند اجرای آرای داوری را ساده تر کنند، اما ممکن است موانعی نیز ایجاد شود که باعث پیچیدگی های حقوقی گردد. اهمیت تعادل بین حفظ استقلال و بی طرفی داوری و مداخله قضایی نیز در این تغییرات بسیار است؛ مداخلات افراطی می تواند کارایی داوری را کاهش دهد. به ویژه در معاهدات حساس مانند نفت و گاز که موضوعات با منافع ملی در ارتباط است، تغییرات در رویه های ابطال و اجرا باید با دقت و توجه ویژه به حفظ نظم عمومی و امنیت حقوقی صورت پذیرد تا زمینه اجرای مؤثر و قابل پیش بینی آرای داوری تضمین شود. (زحمتکش، ۱۳۹۱)

۱۴- آثار حقوقی تغییر قانون در داوری معاهدات نفت و گاز

آثار حقوقی تغییر قانون در داوری معاهدات نفت و گاز شامل مسائل متعددی است که از منظر حقوق بین الملل و حقوق داخلی می تواند ابعاد متفاوتی داشته باشد. نکات کلیدی عبارتند از:

۱-۱۴- مشروعیت رجوع به داوری:

در معاهدات نفت و گاز که معمولاً قراردادهایی بین المللی هستند، شرط داوری به معنای رضایت طرفین برای حل اختلافات از طریق داوری است. با این حال، مراجعه به داوری به دلیل اصل مصونیت دولت ها ممکن است نیازمند رضایت صریح یا ضمنی دولت باشد. تغییر قانون داخلی یا بین المللی که مشروعیت داوری را محدود یا منوط به شرایط خاصی کند، می تواند مانع یا پیچیده ساز فرآیند داوری شود. (صحرانورد، ۱۳۸۱)

۲-۱۴- تعیین قانون حاکم:

تغییر قانون حاکم بر قراردادهای نفتی می تواند موجب تغییر در نحوه حل اختلافات و اختیارات دولت میزبان شود. این موضوع اثر مهمی بر نحوه اجرای قرارداد و داوری دارد و ممکن است میزان انعطاف یا محدودیت در قراردادها را تغییر دهد.

۳-۱۴- قوانین داخلی و شرط داوری:

در ایران، سه مرجع قانونی اصلی بر داوری در قرارداد نفت و گاز حاکم است: آیین دادرسی مدنی، قانون حمایت از سرمایه گذاری خارجی، و قانون نفت. تغییر در هر یک از این قوانین می تواند شرایط شرط داوری و نحوه اجرای آن را تحت تاثیر قرار دهد. برخی نظرات حقوقی معتقدند درج شرط داوری در قراردادهای نفتی به معنای تعهد به داوری است و اجرای آن نیازمند مجوز از مقامات ذیربط است. تغییر در این قوانین ممکن است نحوه رجوع به داوری را دشوارتر یا آسانتر نماید.

۴-۱۴- امنیت حقوقی سرمایه گذاران خارجی:

تغییرات قانونی که باعث محدودیت در امکان داوری شود، ممکن است امنیت سرمایه گذاری خارجی را کاهش دهد و به این ترتیب، تمایل سرمایه گذاران به ورود به قراردادهای نفتی را کاهش دهد.

۴-۱۴- تطور رویه های داوری:

با تغییر قوانین، رویه های داوری در حل اختلافات نفت و گاز پیچیده تر و دارای نکات فنی بیشتری میشوند که نیازمند دقت در تنظیم شروط داوری و تهیه قراردادها است. بطور خلاصه، تغییر قوانین در زمینه داوری معاهدات نفت و گاز اثرات مهمی بر مشروعیت، قوانین حاکم، شرایط اجرای داوری و امنیت حقوقی سرمایه گذاران دارد که به موجب آن، نقش داوری ممکن است تقویت یا تضعیف شود و ذهنیت طرفین نسبت به استفاده از داوری تغییر کند. (صابر، ۱۳۸۹)

۱۵- بررسی نقش قوانین داخلی نفت و گاز و چارچوب داوری در قراردادهای بین المللی نفت

بررسی نقش قوانین داخلی نفت و گاز و چارچوب داوری در قراردادهای بین المللی نفت، موضوعی مهم و تخصصی است که در راستای حفظ منافع طرفین و حل اختلافات احتمالی قراردادهای بین المللی نفتی مطرح می شود.

اولاً، قوانین داخلی نفت و گاز هر کشور نقش تعیین کننده ای در تنظیم و اعتبار قراردادهای نفتی دارند. این قوانین چارچوب حقوقی حاکم بر قرارداد را مشخص می کنند و معمولاً بخشی از حقوق آنان به منظور حمایت از منافع ملی و تامین امنیت انرژی کشور تدوین می شود. برای مثال، در ایران قوانین مشخصی از جمله آیین دادرسی مدنی، قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی و قانون نفت، مرجع و مبنای داوری و حل اختلافات در قراردادهای نفتی هستند. این قوانین هم تضمین کننده صلاحیت مرجع داوری داخلی و چگونگی اجرای داوری در داخل کشور هستند و هم باعث می شوند قراردادهای در چارچوب منافع ملی تنظیم شده و منافع طرفین رعایت شود.

ثانیاً، چارچوب داوری در قراردادهای بین المللی نفت و گاز اهمیت فوق العاده ای دارد. داوری به عنوان روشی تخصصی و کارآمد برای حل و فصل اختلافات احتمالی میان طرفین قراردادهای نفتی به شمار می رود. از مهمترین مزایای این روش می توان به سرعت در رسیدگی، محرمانگی، تخصصی بودن و الزام آور بودن آرای داوری اشاره کرد. در سطح بین المللی، قوانین و کنوانسیون هایی مانند کنوانسیون نیویورک و قوانین داوری تجاری بین المللی مبنای انجام داوری قرار می گیرند. این چارچوب ها تضمین می کنند که آرای داوری معتبر شناخته شده و قابلیت اجرایی دارد و تضادی با قوانین داخلی کشورها ایجاد نکند. (مبشر، ۱۳۸۴)

با توجه به پیچیدگی و تخصصی بودن قراردادهای نفتی که معمولاً بین دو کشور با قوانین متفاوت منعقد می شود، تنظیم شرط داوری در این قراردادها بسیار مهم است. شرط داوری علاوه بر تعیین نحوه حل اختلاف، داوران و مقررات اجرایی را نیز مشخص مینماید. بدین ترتیب، قراردادهای نفتی بین المللی با استفاده از چارچوبهای داوری معتبری چون UNCITRAL، ICSID یا ICC می توانند مدیریت بهتری بر اختلافات داشته باشند و از بروز ناامنی حقوقی و پیچیدگی های زائد جلوگیری کنند. تکاملی که در حقوق قراردادهای نفت و گاز و به ویژه در شروط داوری رخ داده است، بازتاب تغییرات معادلات سیاسی و اقتصادی داخلی و بین المللی است. به این ترتیب با تغییر ساختارهای قراردادی میان کشورهای نفت خیز در حال توسعه و شرکتهای بین المللی، چارچوب های جدیدی برای داوری شکل گرفته که همزمان حقوق طرفین و منافع ملی کشورها را متوازن می سازد. بر اساس یک جمع بندی اینکه قوانین داخلی نفت و گاز کشورها و چارچوب های داوری بین المللی مکمل یکدیگر در تنظیم و اجرای قراردادهای نفتی بین المللی هستند. آنها تضمین می کنند که قراردادها در چهارچوب حقوقی مشخص، با احترام به حاکمیت کشورها و ضمانت اجرایی حل اختلافات انعقاد و اجرا شوند و تصویری مطلوب از امنیت حقوقی در بازار نفت و گاز بین المللی فراهم آورند. (مبصر، ۱۳۷۹)

۱۶- تأثیر تغییرات قانونی بر نحوه رسیدگی، اجرای رأی داوری و مجوزهای لازم رفاهی برای طرفین دولتی یا غیردولتی

تأثیر تغییرات قانونی بر نحوه رسیدگی، اجرای رأی داوری و مجوزهای رفاهی برای طرفین دولتی یا غیردولتی در قراردادهای نفت و گاز بسیار مهم و چندوجهی است:

تغییرات قانونی می تواند بر روی فرآیند رسیدگی داوری تأثیر بگذارد. قوانین داخلی و بین المللی مرتبط با داوری میتوانند نحوه انتخاب داوران، مقررات دادرسی، و شرایط شکلی و محتوایی رسیدگی را تغییر دهند که این موضوع بر سرعت، هزینه و کیفیت رسیدگیها اثرگذار است. به عنوان مثال، پیچیدگیهای فنی و حقوقی قراردادهای نفت و گاز نیازمند داورانی با تخصص حقوقی و فنی است که تغییر در قوانین ممکن است سطح دانش یا نحوه انتخاب آنها را دستخوش تغییر کند. در زمینه اجرای رأی داوری، قوانین داخلی کشورها نقش کلیدی دارند. تغییرات در قوانین اجرایی داوری مانند تصویب یا اصلاح قوانین مرتبط با اجرای آرای داوری خارجی یا داخلی می تواند سرعت و امکان اجرایی شدن رأی داوری را تحت تأثیر قرار دهد. به طور معمول، کنوانسیونهایی مانند نیویورک تضمین میکنند که آرای داوری به رسمیت شناخته شده و اجرایی باشند، اما قوانین داخلی دخالتهای نهایی را تعیین می کنند. درباره مجوزهای رفاهی و حقوقی طرفین، به ویژه در مواردی که طرف دولتی یا غیردولتی در قرارداد حضور دارد، تغییرات قانونی می تواند شرایط و محدودیتهایی در ارجاع اختلاف به داوری اعمال کند. برخی دولتها ممکن است با تغییرات قانونی جدید، محدودیتهایی در پذیرش داوری علیه خود یا ارجاع اختلافات مشمول حاکمیت ملی برقرار کنند. این موضوع در قراردادهای نفت و گاز که غالباً درگیر منافع ملی هستند اهمیت دارد. (هروان، ۱۳۷۵)

علاوه بر آن، با توجه به حساسیت و حجم سرمایه گذاری بالا در قراردادهای نفت و گاز، تغییرات قانونی می تواند مجوزها و مقررات رفاهی مربوط به روند داوری را تحت تأثیر قرار دهد؛ از جمله شرایط دسترسی به اطلاعات، حفظ محرمانگی، و حمایت از حقوق مالکیت فکری. بنابراین، تغییرات قانونی به طور مستقیم بر ساختار حقوقی و عملی داوری در قراردادهای نفت و گاز تأثیرگذار است، نحوه و سرعت رسیدگی، قابلیت اجرایی رأی داوری و چارچوب قانونی حمایت از طرفین را تحت تأثیر قرار می دهد. برای مدیریت بهینه این تأثیرات، تنظیم دقیق شروط داوری و شناخت کامل قوانین و مقررات داخلی و بین المللی مرتبط ضروری است تا طرفین بتوانند در برابر تغییرات قانونی محافظت شده و حقوقشان تضمین شود. (شیروی و همکاران، ۱۳۸۷)

۱۷- تحولات حقوق قراردادهای بین المللی نفت و گاز

۱۷-۱- روند تکامل حقوق قراردادها مربوط به صنعت نفت و گاز

صنعت نفت و گاز کشورهای نفت خیز، از تاریخ اولین اکتشافات نفتی تاکنون، تکنیک های قراردادی متنوعی را به خود دیده است. نوع این تکنیک ها ارتباط بسیار تنگاتنگی با تحولات سیاسی داخلی و بین المللی و توانمندی های تکنولوژیک و اقتصادی کشورهای دارنده منابع هیدروکربورن دارد. صرف نظر از معدود کشورهای دارنده منابع هیدروکربورن، همانند نروژ، کانادا و یا ایالات متحده امریکا عمده این کشورها توان سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیک پایینی دارند و همین ضعف ها، وابستگی صنعت نفت و گاز آنان را به کشورهای پیشرفته دنیا در پی داشته است. صنایع نفت و گاز، به دلیل ماهیت خاص خود، از جمله صناعی هستند که نه تنها بازیگری استثنایی در معادلات سیاسی و اقتصادی بین الملل محسوب می شوند، بلکه نقش بسیار حیاتی در اقتصاد و سیاست داخلی کشورهای دارنده این منابع ایفا می کنند. ساختارهای قراردادی پذیرفته شده هر کشور حاضر در عرصه نفت و گاز، انعکاسی است روشن از این معادلات؛ بدین نحو که با تضعیف عناصر فوق اشاره، قانونگذاران یا مذاکره کنندگان کشور مورد بحث، مجبور به دادن امتیازات بیش تر و پذیرش شرایط سنگین تر به نفع شرکت های بین المللی هستند و برعکس. تجربه بین المللی حاصل از دعاوی نفتی دهه ۱۹۷۰ به بعد، تجارب بزرگی را در اختیار بازیگران بزرگ صنعت بین المللی نفت و گاز قرارداد تا با طرح موضوعاتی چون ماهیت و تفسیر قراردادهای نفتی، حقوق و تکالیف سرمایه گذار خارجی، حق حاکمیت و سایر حقوق کشور صاحب منابع طبیعی، تفسیر شرط ثبات و قلمرو و آثار آن، شیوه های جبران خسارات و میزان غرامت قابل پرداخت در صورت نقض قرارداد یا سلب مالکیت از سرمایه گذار خارجی، بتوانند در کنار سایر عوامل، در انتخاب ساختار قراردادی مناسب دقت کرده، احیاناً به طراحی قالب های جدید بیندیشند. این تجربه ها، حاوی درسهای آموزنده ای بود هم برای شرکت های نفتی در گرفتن تضمین های مناسب و هم برای کشورهای میزبان در درک آثار حقوقی اعمال حاکمیتی (آریان کیا، ۱۳۸۸).

۱۷-۲- معیارهای اصول حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی

معیار های حقوقی کلی عبارت است:

الف: لزوم توجه به منشاء اختلاف: از جمله مباحث مهم در اختلافاتی ناشی از قراردادهای نفتی رخ می دهد مسئله سلب مالکیت یا فسخ قراردادهای سرمایه گذاری و به دنبال آن، مسئله غرامت قابل پرداخت به شرکت خارجی است. اگر چه باید ادعان نمود اختلافاتی که ممکن است در قراردادهای نفتی به وجود آید بسیار و در عین حال متنوع می باشد و این مسئله ناشی از ارتباط قرارداد با عوامل متعدد خارج از قرارداد است.

ب: حقوقی که هر دولتی از آن برخوردار است: در ۱۲ دسامبر ۱۹۷۴ قطعنامه ای در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید که مخالفان آن همگی از کشورهای پیشرفته و صنعتی مثل انگلستان و ایالات متحده آمریکا بودند. اصول کلی طرح شده در این قطعنامه در ماده یک آن منعکس شده است: هر دولتی حق اعمال حاکمیت کامل بر تمامی ثروتها، منابع

طبیعی و فعالیت های اقتصادی خود را دارد و باید داشته باشد. این حق شامل مالکیت، بهره برداری و واگذاری به غیر می شود. هر دولتی دارای حقوق زیر است: ۱- تنظیم سرمایه گذاری خارجی و اعمال حاکمیت نسبت به آن در قلمرو حاکمیت ملی خود مطابق قوانینی و مقررات خود منطبق با اهداف اولویتهای ملی خود. هیچ دولتی را نمی توان وادار به اعطای امتیاز ترجیحی به سرمایه گذاران خارجی کرد. ۲- تنظیم و نظارت بر فعالیت شرکت های خارجی در قلمرو حاکمیت خود و اتخاذ تدابیری جهت تضمین همسویی این فعالیت ها با قوانین و قواعد و مقررات بین المللی است. ۳- ملی کردن، سلب مالکیت یا انتقال آن که در هر مورد از آن باید غرامت مقتضی از سوی دولت با ملحوظ داشتن قوانین و مقررات و اوضاع و احوال مربوط، هر طور که صلاح بدانند، پرداخت شود. در هر موردی که پرداخت غرامت محل نزاع باشد، باید به این اختلاف طبق قوانین ملی دولت سلب کننده و در دادگاه های آن دولت رسیدگی شود. این منشور بر اصل حسن نیت در اجرای تعهدات قراردادی دولت ها صحنه می گذارد و حق جبران خسارت و پرداخت غرامت را به رسمیت می شناسد (موحد، ۱۳۸۴).

۱۷-۳- پیشگیری از بروز اختلافات در دعاوی نفتی

بروز اختلاف امری اجتناب ناپذیر است و باید در قرارداد فی ما بین نحوه ی حل و فصل اختلافات متناسب با شرایط طرفین درج گردد. بسیاری از معاملات تجاری بین المللی، بدون بروز اختلاف توسط طرفین اجرا می شوند. با وجود این، بروز اختلاف در روابط تجاری بین المللی امری غیرعادی تلقی نمی شود. تفاوت های فرهنگی بین طرفین به سوء تفاهم ها دامن می زند؛ فاصله جغرافیایی امکان کنترل و بازرسی را از نزدیک مشکل می سازد؛ و قراردادهای طولانی مدت در مسیر خود با حوادث و وقایع غیرقابل پیش بینی روبه رو می شوند. عادی بودن بروز اختلاف، به معنای عادی بودن مراجعه به دادگاه و یا داوری برای حل و فصل اختلافات تجاری بین المللی نیست. اولاً، مراجعه به دادگاه و یا حتی داوری به روابط تجاری طرفین لطمه می زند و بیشتر برای کسانی مناسب است که یا به صورت موردی با طرف دیگر معامله داشته و یا تبعات مالی اختلاف به حدی جدی است که بر حفظ روابط تجاری آنها ترجیح دارد. یائین، مراجعه به دادگاه و یا داوری پرهزینه و وقت گیر است و باید با ارزش اختلاف تناسب داشته باشد. در بسیاری از موارد، موضع اختلاف از اهمیت زیادی برخوردار نیست که پیگیری آن از طریق دادگاه یا داوری مقرون به صرفه باشد.

بروز گریزناپذیر اختلافات در روابط تجاری از یک طرف و تبعات ناخوشایند مراجعه به دادگاه و داوری از طرف دیگر باعث شده است که طرفین به دنبال تلاش برای جلوگیری از بروز اختلافات باشند، یکی از راه های جلوگیری از بروز اختلافات در قراردادهای نفتی گنجانیدن شروطی در قرارداد است که برای قرارداد این امکان را فراهم می سازد که قرارداد بتواند بدون نیاز به مذاکره مجدد خود را به تغییر اوضاع و احوال تطبیق دهد. در یک تقسیم بندی کلی، ترتیبات قراردادی مزبور به چهار دسته به شرح زیر تقسیم می شود: شروط تکمیل قرارداد که خلأهای موجود در قرارداد را پر می کند؛ شروط مربوط به تغییر شرح کار قرارداد که مشخصات فنی مندرج در قرارداد را با شرایط واقعی پروژه تطبیق می دهد؛ شروطی که قیمت قرارداد را تعدیل می نماید؛ و شروطی که به قرارداد ثبات بخشیده و آن را در مقابل تغییرات قانونی تثبیت می کند. این چهار دسته به اختصار در این گفتار بررسی می شود (شیروی، ۱۳۹۳: ۴۷۴-۴۷۳).

۱۷-۴- شروط تکمیل کننده قرارداد

شروط تکمیل کننده به ترتیبات قراردادی اطلاق می شود که به موجب آن خلأهای موجود در قرارداد بعداً تکمیل می شود. از آنجاکه تصمیم گیری در مورد کلیه جزئیات قراردادی در زمان انعقاد قرارداد ممکن است میسر یا به مصلحت نباشد، برخی از شروط قرارداد به صورت باز مورد موافقت قرار می گیرد و برای تکمیل آنها در قرارداد مکانیسمی پیش بینی می شود (شیروی، ۱۳۹۳: ۴۷۵). در بسیاری از قراردادهای نفتی نمی توان تمام جزئیات قرارداد را در زمان انعقاد آورد. برای مثال در بسیاری از

قراردادهای نفتی شرح کل قرارداد در زمان انعقاد قرارداد آورده نمی شود بلکه موکول می شود به بعد از کشف تجاری میدان که در قالب برنامه و بودجه سالیانه مطرح می شود (قادری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۷). همچنین عدم اطمینان به اوضاع واحوال آتی به طرفین اجازه نمی دهد که بتوانند به طور متعارف میزان تعهدات و ریسک خود را ارزیابی کنند. فرض کنید شرکتی تمایل دارد که در سال آینده یک میلیون بشکه نفت از شرکت نفت خریداری کند. از آنجاکه وضعیت قیمت نفت در سال آینده برای طرفین نامعلوم است، طرفین ترجیح می دهند که قیمت قرارداد را مسکوت گذاشته و به جای آن روی مکانیسمی برای تعیین آن توافق کنند. مثلاً اینکه طرفین توافق کنند که قیمت بر اساس قیمت سبک اوپک تعیین گردد (شیروی، ۱۳۹۳: ۴۷۵). در این صورت ساز و کار طراحی می شود که به موجب آن قرارداد تکمیل می شود.

۱۷-۴-۱- شروط تغییر کار

به ترتیبات قراردادی اطلاق می شود که به موجب آن قرارداد با تغییرات فنی بعدی تطبیق پیدا می کند. در بسیاری از قراردادهای پیمانکاری جزئیات فنی طرح و نحوه اجرای آن بر اساس اطلاعات شرح کار و شرایط موجود در سندی مورد موافقت قرار گرفته، پیوست قرارداد می شود. از زمان انعقاد قرارداد تا زمان تکمیل طرح، تغییرات فنی گوناگونی ممکن است بروز کند که نیاز باشد شرح کار مزبور به تناسب اصلاح شود. مثلاً در قراردادهای بیع متقابل توسعه میدادن نفت، شرح کلی کار در سندی تحت عنوان برنامه جامع توسعه تعریف می شود. ولی با شروع فعالیتهای توسعه و کسب اطلاعات بیشتر از میدان، در اکثر مواقع نیاز است متناسب با اطلاعات کسب شده، شرح کار اصلاح شود. در قراردادهای بیع متقابل این امکان پیش بینی شده است که اولاً طرح جامع توسعه متناسب با اطلاعات فنی جدید به روز شود و ثانیاً نحوه رسیدن به توافق در مورد این اصلاحات نیز مقرر می شود (شیروی، ۱۳۹۳: ۶۱۵).

شروط تغییر کار به طرفین امکان می دهد که شرح کار پروژه را متناسب با تغییرات فنی حاصله تطبیق دهند. در قراردادهای پیمانکاری معمولاً امکان اعمال تغییرات، نحوه تصمیم گیری در مورد تغییرات و روش تعیین قیمت تغییرات پیش بینی می شود.

بر همین اساس، ماده ۲۹ شرایط عمومی پیمان مقرراتی را در خصوص اعمال تغییرات در شرح کار مقرر کرده است. به موجب بند الف این ماده: «در ضمن اجرای کار، ممکن است مقادیر درج شده در فهرست بها و مقادیر منضم به پیمان تغییر کند. تغییر مقادیر به وسیله مهندس مشاور محاسبه می شود و پس از تصویب کارفرما به پیمانکار ابلاغ می گردد. پیمانکار با دریافت ابلاغ تغییر مقادیر کار، موظف به انجام کار با نرخ پیمان است، به شرط آنکه مبلغ ناشی از تغییر مقادیر کار، از حدود تعیین شده در زیر بیشتر نشود. ذیل بند الف ماده ۲۹، حدود این تغییرات را حداکثر تا ۲۵ درصد مبلغ اولیه پیمان مقرر کرده است. در تبصره ۲ این بند آمده است که اضافه یا کاهش مقادیر کار طبق مفاد بندهای الف-۱ و الف-۲ این ماده تا ۱۰ درصد با دستور مهندس مشاور عمل می شود ولی اضافه بر آن با تصویب کارفرما قابل اجرا است. بند ج این ماده در خصوص کارهای اضافی است که قیمت و مقدار آن در پیمان پیش بینی نشده است. بند مزبور مقرر می دارد: اگر در چهارچوب موضوع پیمان، کارهایی به پیمانکار ابلاغ شود که برای آنها قیمت و مقدار در فهرست بها و مقادیر منضم به پیمان پیش بینی نشده است، پیمانکار باید بی درنگ پس از دریافت ابلاغ مهندس مشاور، قیمت پیشنهادی خود را برای اجرای کارهای یاد شده، همراه با تجزیه قیمت، به مهندس مشاور تسلیم کند. قیمتی که با توافق پیمانکار و مهندس مشاور تعیین شود و به تصویب کارفرما برسد، ملاک پرداخت است. قیمت های جدیدی که به این صورت تعیین می شود باید برحسب هزینه اجرای کار در محل اجرا محاسبه گردد. از این رو تنها ضریب هزینه بالاسری پیمان به قیمت های جدید اعمال می شود (شیروی، ۱۳۹۳: ۴۴۷-۴۴۶).

۱۹- نتیجه‌گیری

تحوالات قانونی در حوزه داوری می‌تواند اثرات عمیق و چندلایه‌ای بر نحوه حل و فصل اختلافات ناشی از معاهدات بین‌المللی و به‌ویژه قراردادهای نفت و گاز ایران داشته باشد. تغییر قانون گاه سبب تعدیل، تقویت یا حتی تضعیف چارچوب‌های حقوقی مؤثر بر روند داوری، صلاحیت مراجع داوری، اجرای آرای داوران و امنیت سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود. داوری به عنوان یکی از روش‌های اصلی حل اختلافات در معاهدات بین‌المللی، جایگاه تثبیت شده‌ای در حقوق ایران و نظام‌های بین‌المللی یافته است. شرط داوری معمولاً در معاهدات یا به صورت شرط ضمن عقد و یا به عنوان توافق مستقل تنظیم می‌شود. با تغییر قانون در این حوزه، ممکن است:

مشخص بودن صلاحیت دادگاه‌ها و داوران: قانون جدید ممکن است تعریف صلاحیت، نحوه تعیین داوران، مکان داوری و قانون حاکم را تغییر دهد که این موضوع می‌تواند بر روند تعیین و اجرای داوری اثر بگذارد. اصلاحات قانونی می‌تواند جایگاه رأی داوری در نظام حقوقی را ارتقا یا تضعیف کند و آثار عملی بر قابلیت اجرایی و غیرقابل اعتراض بودن آرا داشته باشد. در قراردادهای نفت و گاز که یکی از طرفین دولت یا شرکت‌های دولتی ایرانی هستند، آثار تغییر قانون ملموس‌تر و گاه مناقشه برانگیز است قوانین فعلی ایران، به ویژه اصل ۱۳۹ قانون اساسی و مواد قانون آیین دادرسی مدنی، ارجاع اختلافات مربوط به اموال عمومی را در موارد حضور طرف خارجی مشروط به تصویب مجلس یا هیأت دولت می‌دانند، به طوری که تغییر قانون می‌تواند سخت‌گیری‌ها یا تسهیلات بیشتری در این مسیر ایجاد کند. اصلاحات نامتناسب یا مبهم در قوانین می‌تواند بر امنیت سرمایه‌گذاری و اطمینان طرف خارجی نسبت به حل و فصل منصفانه اختلافات آسیب وارد کند و امکان اجرای آرا در ایران را تحت تأثیر قرار دهد با توجه به عضویت ایران در کنوانسیون نیویورک و سایر موافقت‌نامه‌های مرتبط، تغییرات قانون داخلی نباید با تعهدات بین‌المللی کشور در تعارض قرار گیرد؛ در غیر این صورت، امکان عدم شناسایی یا اجرای آرای داوری در داخل کشور وجود دارد، ولو در خارج معتبر باشند.

تغییرات قانونی در زمینه داوری معاهدات بین‌المللی و به ویژه معاهدات نفت و گاز مربوط به ایران تأثیرات متعددی دارد که باید با دقت مورد بررسی قرار گیرد. تفسیر معاهدات یکی از مسائل اساسی در حقوق بین‌الملل است که به منظور استخراج معنای واقعی و نیت تدوین‌کنندگان معاهده و بر اساس شرایط زمانی، موضوعی و زبان قرارداد صورت می‌گیرد. این تفسیر باید با حسن نیت و بر اساس معنای عادی کلمات در متن معاهده و با در نظر گرفتن هدف و موضوع آن انجام شود. اختلاف‌نظرها در تفسیر معاهدات معمولاً دلیل اصلی بروز اختلافات در اجرای آن‌ها است و مراجع داوری در حل این موارد باید بر اساس اصول پذیرفته‌شده بین‌المللی مانند کنوانسیون وین ۱۹۶۹ عمل کنند تا اختلافات به شکلی عادلانه و منطبق بر تعهدات بین‌المللی حل و فصل شوند.

تغییرات در قوانین داخلی ممکن است جایگاه حقوقی داوری و صلاحیت مراجع آن را تحت تأثیر قرار دهد، از جمله در نحوه تعیین شرایط صلاحیت، انتخاب داوران، قانون حاکم و مکان داوری. این تغییرات باید با تعهدات بین‌المللی ایران مانند کنوانسیون نیویورک همخوانی داشته باشند تا از تعارض‌ها و مشکلات اجرایی جلوگیری شود. در غیر این صورت، اجرای آرای داوری با چالش‌هایی مواجه شده و این وضعیت می‌تواند امنیت حقوقی و سرمایه‌گذاری خارجی را به خطر اندازد. در قراردادهای نفت و گاز ایران، ارجاع دعاوی به داوری مشروط به رعایت موازین حقوق داخلی از جمله اصل ۱۳۹ قانون اساسی است که ارجاع دعاوی مربوط به اموال عمومی را مستلزم تصویب مجلس یا هیأت دولت می‌داند. تغییرات در این زمینه می‌تواند شدت یا سهولت بیشتری در امکان ارجاع به داوری فراهم کند که این امر تأثیر عمده‌ای بر روند داوری و پذیرش و اجرای

آرای داوری دارد. بنابراین این محدودیت‌ها می‌بایست به گونه ای مدیریت شوند که ضمن حفظ حاکمیت ملی، امنیت حقوقی و اطمینان طرف‌های خارجی نسبت به روند داوری نیز تأمین گردد.

اصول کلیدی تفسیر معاهدات که در داوری نیز کاربرد دارند شامل حسن نیت، انصاف، عدالت، تفسیر به گونه ای که معاهده آثار مثبت داشته باشد و ایجاد حداقل تعهدات برای طرفین هستند. این اصول باعث می‌شوند که تفسیر معاهدات و قراردادهای مرتبط با داوری عادلانه و منطبق بر اهداف معاهدات بین‌المللی صورت گیرد. رویه های قضایی و داوری ایران نیز با استناد به قواعد بین‌المللی و بررسی اسناد همراه معاهدات، مبنایی برای تفسیر دقیق و منسجم ایجاد کرده اند که بکارگیری آن به روند صحیح داوری کمک می‌کند.

در نتیجه، تغییرات قانونی در حوزه داوری معاهدات بین‌المللی و مخصوصاً معاهدات نفت و گاز باید با دقت بالا و بر اساس اصول شناخته شده تفسیر معاهدات و تعهدات بین‌المللی و تغییرات بازار انرژی انجام شود تا امنیت حقوقی سرمایه گذاران حفظ و منافع ملی صدمه نبیند. شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری در روند داوری، ضمن جلوگیری از بروز تنش‌های حقوقی و اقتصادی، محیطی مناسب برای سرمایه گذاری و همکاری‌های بین‌المللی فراهم خواهد کرد.

در مجموع، هرگونه اصلاح یا تغییر قانون در زمینه داوری معاهدات بین‌المللی و قراردادهای نفت و گاز ایران، باید با نگرش دقیق به حفظ تعادل میان حاکمیت ملی، امنیت حقوقی طرفین قرارداد و تعهدات بین‌المللی ایران صورت گیرد. هر تغییر نسنجیده زمینه افزایش دعاوی و چالش‌های حقوقی جدید را فراهم می‌آورد و می‌تواند بر اعتبار بین‌المللی کشور و تمایل سرمایه گذاران خارجی آثار بلندمدت بگذارد. بنابراین، توصیه می‌شود قانونگذار در فرآیند اصلاح، ملاحظات بین‌المللی، نیازهای بازار انرژی و موازین حقوق داخلی را به طور جامع مدنظر قرار دهد.

با توجه به روش‌های مختلف حل و فصل اختلافات، در قراردادهای اکتشاف و بهره‌برداری از میدان‌ها نفتی نباید صرفاً یک روش را به‌عنوان یگانه راه حل و فصل اختلافات در نظر گرفت. به‌عبارت‌دیگر باید روش‌های مختلف را به‌صورت لایه‌ای در قرارداد درج کرد. به‌عنوان نمونه در صورت بروز اختلاف، طرفین اختلاف نخست باید از روشی که نیازی به حضور شخص ثالث ندارد (مذاکره دوستانه) استفاده کنند. در صورتی که مذاکره راه به‌جایی نبرد در رابطه با مسائل فنی به کارشناسی رجوع و در سایر موارد از روش‌هایی نظیر میانجیگری و سازش استفاده نمایند، طرفین از رجوع به داوری به عنوان یک اهرم فشار برای ترغیب طرف دیگر به مذاکره یا میانجیگری استفاده می‌کنند. لازم به یادآوری است که در صورت وجود موافقت‌نامه‌ی داوری میان طرفین یا درج شرط رجوع به داوری، یکی از طرفین نمی‌تواند به دادگاه مراجعه کند و محاکم قضایی اغلب از پذیرش دعوی و رسیدگی به اختلاف خودداری می‌کنند. در صورت عدم موفقیت داوری، موضوع به دادگاه ارجاع می‌شود. اصولاً در صورتی که سایر روش‌های حل و فصل اختلاف منجر به نتیجه نشود طرفین اختلاف ناگزیر اختلافات خود را از طریق دادگاه تعقیب می‌کنند. اما باید یادآوری کنیم که نکته‌ی حیاتی در رابطه با بروز اختلافات، حل و فصل آنها به شکل برد-برد است. به‌عبارت دیگر طرفین باید تلاش کنند تا حل و فصل اختلافات کمترین آسیب را به پروژه وارد آورد و بیشترین مطلوبیت را در طرفین اختلاف ایجاد کند. نقش داوری و دادگاه‌های داخلی و بین‌المللی در زمینه نفت و قراردادهای نفتی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، زیرا این قراردادها معمولاً پیچیده، چندملیتی و دارای سرمایه‌گذاری‌های کلان هستند که احتمال بروز اختلافات را افزایش می‌دهد. داوری به عنوان روشی تخصصی، سریع و محرمانه برای حل اختلافات، به ویژه در قراردادهای نفتی که طرفین آن معمولاً از کشورهای مختلف هستند، کاربرد فراوانی دارد. در ایران، ارجاع اختلافات نفتی به داوری باید با رعایت قوانین داخلی از جمله قانون آیین دادرسی مدنی، قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و قانون نفت انجام شود. همچنین اصل ۱۳۹ قانون اساسی ایران محدودیت‌هایی برای ارجاع اختلافات مربوط به اموال عمومی و دولتی به داوری

وضع کرده که مستلزم دریافت مجوز از هیأت وزیران و در موارد مهم از مجلس شورای اسلامی است. این اصل باعث شده تا شرط داوری در قراردادهای نفتی در ایران با ملاحظات خاصی همراه باشد و اجرای آرای داوری خارجی مرتبط با اموال عمومی بدون رعایت این تشریفات به رسمیت شناخته نشود.

۲۰-پیشنهادهای

چالش های حقوقی موجود و راهکارهای پیشنهادی.

توصیه به تطبیق قوانین داخلی با استانداردهای بین المللی در داوری.

برای تضمین کارآمدی و مشروعیت داوری در قراردادهای نفت و گاز، تطبیق قوانین داخلی با استانداردهای بین المللی داوری ضروری است. این تطبیق نقش مهمی در افزایش اطمینان طرفین قراردادها، کاهش ریسک های حقوقی و تسهیل اجرای آرای داوری دارد. توصیه های مهم در این زمینه عبارتند از:

هماهنگی چارچوب قانونی داخلی با کنوانسیونهای بین المللی مانند کنوانسیون نیویورک که به رسمیت شناختن و اجرای آرای داوری بین المللی کمک می کند، برای اطمینان از قابلیت اجرای آرای داوری ضروری است. اصلاحات قانونی برای تسهیل فرآیند داوری، از جمله حذف محدودیتهای غیرضروری در ارجاع اختلافات به داوری و کاهش موانع دسترسی شرکتهای دولتی یا غیردولتی به داوری، می تواند کارایی و سرعت رسیدگی داوری را بهبود بخشد. پیش بینی دقیق شروط داوری در قراردادها به گونه ای که علاوه بر پذیرفتن داوری، تعیین کننده مراجع صالح، قوانین حاکم، و شیوه اجرای رای باشد تا تضاد بین قوانین داخلی و بین المللی کاهش یابد. آموزش و توانمندسازی حقوقی و داوری برای نهادهای داخلی اعم از قوه قضائیه و شرکتهای دولتی و خصوصی، به منظور ارتقاء تخصص و آشنایی با قوانین و استانداردهای بین المللی داوری. تضمین استقلال و بیطرفی داوران مطابق قواعد بین المللی، که از مهمترین اصول داوری عادلانه به شمار میرود و موجب افزایش اعتماد طرفین می شود. شفافیت و دسترسی به اطلاعات در فرآیند داوری که از اصول مورد تاکید در استانداردهای بین المللی است و به تعادل حقوق طرفین کمک می کند. با اجرای این توصیه ها، سیستم داوری داخلی می تواند با استانداردهای بین المللی هماهنگ و به عنوان بستری مطمئن برای حل اختلافات در قراردادهای نفت و گاز مطرح شود. این روند منجر به جذب سرمایه گذاری های خارجی بیشتر، کاهش اختلافات و افزایش اعتبار بین المللی کشور خواهد شد.

ارائه مدل حقوقی منسجم برای مدیریت تغییرات قانون و کاهش ریسک حقوقی در قراردادهای نفت و گاز.

برای ارائه یک مدل حقوقی منسجم جهت مدیریت تغییرات قانونی و کاهش ریسک حقوقی در قراردادهای نفت و گاز، باید ترکیبی از اصول و ساختارهای حقوقی، فرآیندهای مشخص و ابزارهای پیشگیرانه مد نظر قرار گیرد. این مدل می تواند شامل موارد زیر باشد:

تنظیم شروط داوری دقیق و جامع در قراردادها بندهای داوری باید با تخصص حقوقی و فنی منتخب و با در نظر گرفتن قوانین داخلی و بین المللی تدوین شوند. این شروط باید شامل تعیین مرجع داوری، نحوه انتخاب داوران، قوانین حاکم، محل داوری و روشهای اجرای رأی داوری باشد تا از بروز ابهامات حقوقی جلوگیری شود.

قراردادن بندهای تعدیل و بازبینی منظم قرارداد با محوریت تطبیق با تغییرات قوانین داخلی و بین المللی موجب کاهش ریسک ناشی از بروز تعارض های حقوقی می شود. همچنین باید درباره نحوه عملکرد قرارداد در مواجهه با تغییرات قوانین و مقررات، پیش بینی های شفاف صورت پذیرد.

بهره گیری از مراجع داوری سازمانی مثل ICC یا LCIA که قوانین استاندارد و فرآیندهای منظم و تخصصی دارند، باعث می شود رسیدگی ها به شکلی حرفه ای و عادلانه انجام شده و ضمانت اجرای آرا بهبود یابد.

توانمندسازی متخصصان حقوقی و فنی در زمینه های مرتبط با نفت و گاز و داوری بین المللی برای مدیریت بهتر اختلافات حقوقی، مسلط بودن به تغییرات قانونی و کاربرد مقررات جدید ضروری است. حفظ سوابق حقوقی و فنی قرارداد و مستندسازی روندهای داوری با دقت بالا، امکان واکنش سریع به تغییرات قانونی و اثبات حقوق طرفین را تسهیل می کند.

مدل حقوقی باید ساز و کاری چندمرحله ای برای حل اختلافات داشته باشد؛ از مشاوره و مذاکره، میانجیگری، تا داوری نهایی، که به کاهش هزینه ها و زمان منجر شود و از پیچیدگیهای حقوقی جلوگیری کند. این مدل یکپارچه ضمن ایجاد بستر حقوقی قابل اتکا، موجب کاهش ریسک حقوقی ناشی از تغییرات پراکنده قوانین داخلی و بین المللی شده و امنیت حقوقی طرفین قراردادهای نفت و گاز را تأمین می کند. همچنین این چارچوب مناسب، زمینه جذب سرمایه گذاری مطمئنتر و افزایش همکاریهای طولانی مدت در صنعت نفت و گاز را فراهم می آورد.

پیشنهاد اصلاحات قانونی و رویه های به منظور ایجاد اطمینان بیشتر در فرآیند داوری.

برای ایجاد اطمینان بیشتر در فرآیند داوری در قراردادهای نفت و گاز، پیشنهاد اصلاحات قانونی و رویه های مؤثر شامل موارد زیر است:

اصلاح قوانین به گونه ای که بندهای شروط داوری دقیق، جامع و بدون ابهام تدوین شود. این امر باید شامل تعیین مرجع داوری، نحوه انتخاب داوران، قوانین حاکم، محل برگزاری داوری، زبان داوری و موارد مرتبط باشد تا از هرگونه اختلاف نظر جلوگیری شود.

اصلاح قوانین داخلی در جهت همسویی با کنوانسیونهای بین المللی مانند کنوانسیون نیویورک برای تضمین به رسمیت شناختن و اجرای آرا. همچنین ایجاد مقررات شفاف برای اجرای آرای داوری و کاهش موانع اجرایی. تصویب مقرراتی برای اطمینان از استقلال، بیطرفی و تخصص داوران که اعتماد طرفین را به داوری بالا می برد و به تبع آن اجرای رأی با سهولت بیشتری صورت می گیرد.

شکلگیری یا تقویت مؤسسات داوری تخصصی در حوزه نفت و گاز با قوانین و آیین نامه های مدرن که روند داوری را تسریع و به استانداردهای بین المللی نزدیک سازد.

تضمین محرمانگی فرآیندهای داوری و در عین حال تسهیل دسترسی طرفین به اطلاعات لازم برای دفاع متقابل، به منظور حفظ تعادل حقوقی و امنیت قرارداد.

تشویق و گنجاندن پیش بینیهای میانجیگری و سازش در قراردادها قبل از ارجاع نهایی به داوری، جهت کاهش هزینه و زمان رسیدگی ها.

برنامه های آموزشی مستمر برای ارتقاء تخصص و آشنایی با قوانین جدید، استانداردهای بین المللی و رویه های جدید داوری. بندهای تنظیم شده در قرارداد که امکان تعدیل شرایط در مواجهه با تغییرات قانونی یا اقتصادی را فراهم کند تا از بروز اختلافات حقوقی جدی پیشگیری شود.

با اجرایی شدن این اصلاحات و رویه ها، فرآیند داوری در قراردادهای نفت و گاز شفاف تر، مطمئنتر و کارآمدتر خواهد شد و موجب افزایش اطمینان طرفین و کاهش مخاطرات حقوقی می گردد.

منابع فارسی

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۹)، مجموعه محشای قانون مدنی (علمی، تطبیقی، تاریخی) چاپ اول، انتشارات گنج دانش.
۲. شهیدی، مهدی، (۱۳۸۲)، حقوق مدنی ۶، عقود معین بیع، معاوضه، اجاره، جعاله، قرض و صلح.
۳. شیروی، دکتر عبدالحسین، (۱۳۹۴)، قراردادهای ساخت، بهره برداری و واگذاری (بی.او. تی)، دانشگاه تهران.
۴. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۰): حقوق تجارت بین الملل، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۵. صفایی، سید حسین، (۱۳۹۳)، مباحثی از حقوق بین الملل خصوصی، نشر میزان، چاپ اول.
۶. کاتوزیان، دکتر ناصر (۱۳۸۴)، قواعد عمومی قراردادهای، جلد دوم، ناشر شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم.
۷. کاتوزیان، دکتر ناصر، (۱۳۸۲)، قواعد عمومی قراردادهای، جلد اول، انتشارات شرکت سهامی انتشار چاپ پنجم.
۸. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ شصت و یکم.
۹. کاشانی، جواد (۱۳۸۹)، منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین الملل، تهران: انتشارات شهر دانش.
۱۰. کاشانی، صادق، (۱۳۸۸)، توسعه میادین نفت و گاز ساختارها و رویکردهای پروژه، نشر مرکز پژوهش های مجلس شورای.
۱۱. گروه نویسندگان، (۱۳۷۹)، کالبدشکافی سرمایه گذاری صنعت نفت و گاز، انتشارات کویر.
۱۲. موحد محمدعلی، (۱۳۷۴)، درسهایی از داوری های نفتی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. موحد، محمدعلی، (۱۳۸۴)، ملی کردن و غرامت، چاپ اول، نشر کارنامه.
۱۴. ابراهیم زاده، م، (۱۳۸۵) بررسی ابعاد حقوقی قراردادهای B.O.T، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
۱۵. ابراهیمی، سید نصرالله، (۱۳۸۷)، نسل سوم قراردادهای بیع متقابل، روزنامه مشعل، شماره ۱۰۳.
۱۶. اخلاقی، بهروز، (۱۳۸۷)، بهینه سازی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت ایران، مجله پژوهش های حقوقی، سال هفتم، شماره ۱۳.
۱۷. اخوان، مهدی، طاهری فرد، علی (۱۳۸۷)، بررسی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت در قالب قاعده غرور، نشریه راهبرد یاس، شماره ۱۳.
۱۸. امیر معینی، مهران، (۱۳۸۴)، کاربرد ابزارهای مالی در قراردادهای نفت و گاز الگویی برای ایران، فصلنامه مطالعات انرژی (شانا).
۱۹. ایران پور، فرهاد (۱۳۸۷)، انواع قراردادهای نفتی: تحول قراردادهای نفتی از قراردادهای معاوضی به سوی قراردادهای مشارکتی، مجله حقوق، شماره ۶.
۲۰. باصری، داریوش، (۱۳۷۹)، قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت، سابقه و عملکرد، روزنامه ایران.
۲۱. حسن بیگی، ابوالفضل، (۱۳۸۰)، نگاهی به چارچوب قراردادهای بیع متقابل نفت، روزنامه ملت.
۲۲. دیدار، پوریا (۸۹-۱۳۸۸)، قراردادهای نفتی، مجله گزارش، شماره ۲۱۶.
۲۳. ریاض، طارق و القشیری، احمد، (۱۳۸۲)، قانون حاکم بر نسل جدید قراردادهای نفتی: چرخش در روند داوری، شرح و ترجمه: محسن محبی، مجله حقوقی، نشریه ی دفتر خدمات حقوقی بین المللی ج ۱ ایران، شماره ۲۹.

۲۴. زحمتکش، م (۱۳۹۱)، بررسی قراردادهای بیع متقابل در معاملات نفت ایران، پایاننامه برای اخذ مدرک درجه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان.
۲۵. هروان، ع، (۱۳۷۵)، نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی ایران، پایاننامه برای اخذ مدرک درجه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شیراز.
۲۶. شیروی، عبدالحسین، (۱۳۸۵)، بررسی قانون نمونه‌ی آنسیترال در خصوص سازش تجاری بین المللی، اندیشه‌های حقوقی، سال چهارم، شماره دهم.
۲۷. شیروی، عبدالحسین، ابراهیمی، نصرالله، ترجمه: مجتبی اصغریان (۱۳۸۸)، اکتشاف و توسعه میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل، مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، سال بیست و ششم، شماره ۴۱.
۲۸. صابر، محمدرضا، (۱۳۸۹)، بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز، نشر دادگستر، تهران.
۲۹. صحرانورد، ا (۱۳۸۱)، تحلیل حقوقی مکانیسم بیع متقابل (Buy Back) در قراردادهای نفتی ایران، پایاننامه برای اخذ مدرک درجه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۳۰. مبشر، داریوش، (۱۳۸۴)، بررسی سرمایه گذاری‌های نفتی: قراردادهای بیع متقابل، انتشارات متقابل، مجله حقوقی بین المللی نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، شماره ۱۴.
۳۱. مبصر، داریوش (۱۳۷۹)، کالبد شکافی سرمایه گذاری‌های صنعت نفت (قراردادهای بیع متقابل)، تهران: انتشارات کویر.

Legal Effects of Changing the Law on Arbitration in International Treaties and Arbitration in Oil and Gas Treaties Related to Iran

Pourya Darabi^۱, Younes Khodaparast^۲, Mohammad Bagher Feijan^۳

^۱- Master's Degree in Private Law, Islamic Azad University, Noorabad Branch, Momsani, Iran

^۲- Assistant Professor, Private Law, Islamic Azad University, Noorabad Branch, Momsani, Iran

^۳- Assistant Professor, Private Law, Islamic Azad University, Noorabad Branch, Momsani, Iran

Abstract:

The purpose of this study is to analyze the legal effects of changing the arbitration laws in international treaties and oil and gas contracts related to Iran, to examine the legal challenges arising from the conflict between domestic laws and international regulations, and to assess the impact of legal reforms on the arbitration process and the enforcement of arbitration awards. The research method is descriptive-analytical and, by referring to Iranian domestic laws, international conventions, case studies, and a review of arbitration awards, it has conducted a comparative analysis of domestic and international regulations and the legal structure of oil treaties before and after the change in the laws. The findings show that the adoption of the International Commercial Arbitration Law in accordance with the UNCITRAL model has led to greater alignment of Iran with international legal frameworks, but the limitations and formalities of domestic law, especially Article ۱۳۹ of the Constitution and Article ۲۳ of the Petroleum Law, condition and sometimes prevent the enforcement of foreign arbitration awards; on the other hand, international conventions such as New York play an important role in expanding enforceability, but compliance with Iran's domestic regulations is still essential. The results show that the alignment of domestic laws with international arbitration principles enhances the credibility and enforceability of arbitral awards; on the other hand, the existence of legal formalities and local cultural-legal considerations create challenges in the enforcement of foreign awards; amending and adapting domestic laws to successful international models paves the way for attracting investment and resolving complex disputes; however, the conflict between domestic laws and international treaties remains an issue that requires precise implementation and interpretation solutions.

Keywords: International arbitration, oil and gas contracts, Iranian International Commercial Arbitration Law, Article ۱۳۹ of the Constitution, enforcement of arbitral awards, arbitration clause, conflict of laws, arbitral institution.
